

## بررسی انتقادی مقالات علمی - پژوهشی با موضوع «شخصیت و شخصیت‌پردازی» در ادبیات داستانی

کاووس حسن‌لی

استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

زهرا پیرصوفی املشی\*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

### چکیده

بازخوانی کارنامه پژوهش‌های ادبی با هدف ارزیابی کیفی و شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های آن‌ها یکی از اقدامات علمی شایسته و مهم است؛ اما فراوانی و پراکندگی پژوهش‌های علمی در یک موضوع خاص، گاه شناسایی و تحلیل موضوعات پیشین را برای پژوهشگران دشوار می‌کند. در نتیجه این دشواری‌ها، مقاله‌هایی همگون و تکراری نگاشته و از پویایی و رشد حوزه‌های علمی کاسته می‌شود. پژوهشگران هر حوزه با شناسایی و بررسی انتقادی پژوهش‌های پیشین می‌توانند از صورت گرفتن پژوهش‌های تکراری و همسان پیشگیری کنند. نگارندگان این مقاله با توجه به لزوم چنین نگرشی در حوزه پژوهش‌های ادبیات فارسی بر آن شدند تا به ارزیابی، معرفی و بررسی همه مقاله‌های علمی - پژوهشی که در پیوند با یکی از موضوعات مهم و کاربردی این حوزه یعنی شخصیت و شخصیت‌پردازی نگاشته شده است، بپردازند. از این رو با مراجعه به پایگاه‌های ذخیره مقاله‌ها، آن دسته از مقاله‌های علمی - پژوهشی فارسی که به بررسی موضوع نام‌برده در ادبیات داستانی معاصر پرداخته بودند، انتخاب شدند؛ سپس ۷۳ مقاله یافته‌شده از نظر روش‌شناسی، اهداف و پرسش‌ها، تعداد و نوع نمونه‌های بررسی‌شده، نظریه‌های استفاده‌شده، یافته‌ها، منابع و... بررسی و تحلیل شدند. بنا بر

\* نویسنده مسئول: mahshidpirsoufi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۳

یافته‌های این پژوهش، کاستی‌ها و اشکالات مقاله‌های یادشده عبارت‌اند از: ابهام و نقص در برخی چکیده‌ها، ضعف در ساختار و روش تحقیق، ناهماهنگی اجزای تحقیق و تکرار برخی موضوعات، رویکردها و منابع. توجه به موضوعات تازه و نظریه‌های نو، مطالعات بینارشته‌ای و همکاری با دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر، دقت در انتخاب نظریه‌های کارآمد و استفاده از روش‌های مناسب تحقیق از قوت‌های برخی مقالات بودند.

واژه‌های کلیدی: بررسی انتقادی، شخصیت، شخصیت‌پردازی، مقاله‌های علمی - پژوهشی.

## ۱. مقدمه

فراوانی و پراکندگی بیش از اندازه پژوهش‌های علمی در یک موضوع خاص و پرداختن به ابعاد گوناگون یک مسئله پژوهشی از دیدگاه‌های مختلف، یافتن دانش عینی و کاربردی را از میان انبوه اطلاعات پیشین دشوار و گاه ناممکن می‌کند؛ این در حالی است که هدف از پژوهش علمی دستیابی به دانش عینی و نتایج کاربردی از میان همه پژوهش‌های پیشین است. این دشواری در بسیاری از حوزه‌های علمی آشکارا دیده می‌شود. گاهی مشکلات پژوهش از این نیز فراتر است. کلی‌گویی‌های تعمیم‌ناپذیر، ساختارهای پریشان و روش‌های ناکارآمد بسیاری از پژوهش‌ها، کارآمدی آن‌ها را با اشکال بنیادی مواجه می‌کند. از همین رهگذر است که بررسی و نقد کارنامه پژوهشی یک موضوع، به‌ویژه اگر جامع و روشمند باشد، از تکرار اشکالات موجود پیشگیری می‌کند.

مرور پیشینه یک موضوع خاص به شیوه روایتی و بدون طرحی منسجم، آن چنان که در بسیاری از مقاله‌ها دیده می‌شود، نیز نمی‌تواند به حل مشکل پیش‌گفته کمک چندانی کند. برای گشایش این گره‌ها به نظر می‌رسد باید داده‌های علمی پژوهش‌های گذشته را سازمان‌دهی، طبقه‌بندی و ارزشیابی کرد و از رهگذر این مرور نظام‌مند، دانش کاربردی نهفته در پژوهش‌ها را استخراج کرد و به کار بست؛ از این‌رو نگارندگان مقاله حاضر بر آن شدند تا آن بخش از مقاله‌های علمی - پژوهشی را که به یکی از موضوعات مهم و کاربردی ادبیات داستانی یعنی شخصیت و شخصیت‌پردازی

پرداخته‌اند، بررسی کنند. برای دستیابی به این هدف، به سایت‌هایی همچون پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی،<sup>۱</sup> بانک اطلاعات نشریات کشور،<sup>۲</sup> پایگاه مجلات تخصصی نور،<sup>۳</sup> پرتال جامع علوم انسانی،<sup>۴</sup> پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران<sup>۵</sup> و علم‌نت<sup>۶</sup> مراجعه کردند و آن تعداد از مقاله‌های فارسی را که به بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی معاصر پرداخته‌اند و این دو واژه را در عنوان یا واژه‌های کلیدی خود داشته‌اند، بازجستند.

نگارندگان مقاله حاضر برای نمونه‌های تحلیل ۷۳ مقاله علمی - پژوهشی را برگزیدند. این مقاله‌ها بر پایه روش مجلات علمی - پژوهشی با ارزیابی و تأیید دو داور متخصص دانشگاهی منتشر شده‌اند. فرایند پذیرش و انتشار این مقالات بدان معناست که از دید سردبیران و اعضای هیئت تحریریه معیارهای علمی و شایستگی‌های لازم را دارا بوده‌اند. مقاله‌های انتخاب‌شده با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر بررسی شده‌اند:

۱. چه موضوعاتی بر اساس چه مبانی نظری واکاوی شده‌اند؟
۲. پژوهشگران برای بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی معاصر از چه روش‌هایی برای گردآوری داده‌ها، تحقیق و تحلیل بهره برده‌اند؟
۳. در این مقاله‌ها از چه نظریه‌هایی استفاده شده است؟
۴. مقاله‌ها تا چه اندازه روشمند و دارای ساختار علمی هستند؟
۵. پژوهشگران برای نوشتن این مقاله‌ها از چه منابعی بهره برده‌اند؟
۶. نتایج بررسی پژوهش‌های مربوط به موضوع شخصیت و شخصیت‌پردازی نشان‌دهنده چیست و چه راهکارهایی برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌دهد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی کارنامه پژوهشی یک موضوع، در حوزه نقد و پژوهش‌های ادبی بی‌سابقه نیست. برخی پژوهشگران ادبیات، سال‌ها پیش اهمیت و ضرورت گردآوری و بررسی انتقادی نگاه‌های علمی یک حوزه ادبی را دریافته و به این کار همت گماشته‌اند. از آن جمله است کتاب فرهنگ سعدی‌پژوهی (حسن‌لی، ۱۳۸۰) که از دید زمانی مقدم بر

آثار همانند است. در این کتاب، نوشته‌هایی که در پیوند با سعدی، از آغاز سال ۱۳۰۰ تا پایان سال ۱۳۷۵ به چاپ رسیده، بازبایی و شناسایی و بررسی شده است. این کتاب برآمده از رسالهٔ دکتری مؤلف است که در سال ۱۳۷۷ در دانشگاه شیراز از آن دفاع کرده است.

نوروزی (۱۳۸۵) با هدف بررسی تحلیلی - توصیفی مقالات فارسی مربوط به نظامی در ایران، با همان الگوی پیشنهادی حسن‌لی در فرهنگ سعدی‌پژوهی، مقاله‌های نوشته‌شده در بازهٔ زمانی سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۸۰ را از نظر زمانی و موضوعی طبقه‌بندی کرده و پس از معرفی مضامین عمده و منابع اصلی هر مقاله، به ارزیابی آن‌ها پرداخته است.

معینی (۱۳۸۷) نیز در ادامهٔ پژوهش حسن‌لی، چهارصد مقاله را که دربارهٔ سعدی و آثارش در سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ منتشر شده، در قالب پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد توصیف و بررسی کرده است. بنا بر یافته‌های او، کارنامهٔ این دورهٔ ده‌ساله در مقایسه با کارنامهٔ دوران پیش از خود (۱۳۰۰ - ۱۳۷۵) پُربزرگ و شایان توجه است؛ اما پُربزرگی آن به معنای پُرباری و اثرگذاری‌اش نیست. نگارش مقاله‌هایی با موضوعات مشابه و تکراری یا انشاپردازی‌هایی از سر شیفتگی و ارادت فراوان به سعدی سبب شده تعداد چشمگیری از پژوهش‌ها از کارآمدی لازم بی‌بهره بمانند.

افزون بر نمونه‌های پیشین می‌توان از رسالهٔ دکتری سیدیزدی (۱۳۸۷) نیز نام برد. او ۱۰۰۷ مقالهٔ مرتبط با فردوسی و شاهنامه را که تا سال ۱۳۷۰ منتشر شده‌اند، باز به همان شیوهٔ فرهنگ سعدی‌پژوهی با رویکرد توصیفی - تحلیلی بررسی کرده است. خافی (۱۳۹۱) نیز در ادامهٔ رسالهٔ سیدیزدی و با همان سیاق، ۱۰۷۰ مقالهٔ منتشرشده در سال‌های ۱۳۷۱ - ۱۳۸۰ را بررسی انتقادی کرده است. مقالهٔ مهرکی (۱۳۸۶) از دیگر پژوهش‌های مرتبطی است که می‌توان به آن اشاره کرد. او با تمرکز بر مقاله‌ها و کتاب‌های برجسته‌ای که به بررسی آثار گوناگون نیما یوشیج پرداخته‌اند، جریان حرکت تاریخی تألیف این گونه آثار و انواع آن‌ها را شناسایی و بررسی کرده است.

کارنامهٔ تحلیلی خیام‌پژوهی در ایران از حسن‌لی و حسام‌پور (۱۳۸۹) از دیگر آثاری است که همچنان به روش فرهنگ سعدی‌پژوهی وفادار مانده و در آن وضعیت کارنامهٔ

خیام‌پژوهی در سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۸۰ بررسی شده است. گفتنی است نگارندگان پیش از انتشار کتاب یادشده، بخشی از مطالب آن را در قالب مقاله‌ای (۱۳۸۸) منتشر کرده‌اند.

قاسمیان (۱۳۸۹) نیز در رساله دکتری خود، به همان شیوه به بررسی کارنامه مثنوی پژوهی در ایران پرداخته است. او ۱۱۴ عنوان کتاب (تألیفی، تصحیح و ترجمه) را در دو دوره زمانی (از سال ۸۰۰ق - ۱۳۰۰ خورشیدی و از سال ۱۳۰۰ - ۱۳۸۳ ش) از نظر موضوعی بازبینی و در نه طبقه تحقیقی، تفسیری، تحقیقی - تفسیری، برگزیده، راهنمای موضوعی، فرهنگ لغات، کتاب‌شناسی، بیت‌یاب و تقلیدی دسته‌بندی و بررسی کرده است.

مراونه (۱۳۹۱) سیصد مقاله مربوط به خاقانی و آثار او را که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۹۱ منتشر شده‌اند، به شیوه توصیفی - انتقادی مطالعه کرده است. طرح پژوهشی کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی خاقانی شروانی نیز به همت نیکوبخت و سراج (۱۳۹۱) از دیگر نمونه‌هایی است که کارنامه پژوهشی یک چهره یا موضوع ادبی را در کانون توجه قرار داده است. یافته‌های آنان پس از بررسی حدود هفتصد مقاله، صد کتاب و دویست پایان‌نامه در پیوند با خاقانی نشان می‌دهد تکرار برخی موضوعات، نبود نوآوری و کپی‌برداری از پژوهش‌های پیشین، از آسیب‌های چشمگیر مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های این حوزه است.

تعدادی مقاله علمی - پژوهشی نیز در حوزه پژوهش‌های ادبیات کودک نوشته شده که با رویکردی انتقادی به بررسی مباحثی همچون وضعیت استناد مقاله‌های برخی نشریات، روش‌شناسی و بررسی موضوعات پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های ادبیات کودک پرداخته‌اند (ر.ک: رضوی و مسنن فارسی، ۱۳۸۹؛ مکتبی‌فرد و منصوریان، ۱۳۹۱؛ مکتبی‌فرد، ۱۳۹۳). افزون بر نمونه‌های پیش‌گفته، مقاله‌های انتقادی دیگری نیز منتشر شده‌اند که با تمرکز بر موضوعی خاص، پژوهش‌های پیشین را کاویده‌اند؛ در ادامه به صورت کوتاه و گذرا و برای نمونه، به برخی از این مقاله‌ها اشاره می‌شود:

شکردهست و همکارانش (۱۳۹۳) با نگاهی انتقادی مقاله‌هایی را که در پیوند با آثار رضا امیرخانی نوشته شده، بررسی کرده‌اند. بر پایه یافته‌های آنان، از میان رویکردهای نقد

(نقد ساختار، نقد درون‌مایه و نقد نویسنده)، نقد ساختاری در مقاله‌های علمی - پژوهشی بیشتر در کانون توجه قرار گرفته است. در نقدهای علمی - تخصصی، نقد ساختار و درون‌مایه به موازات همدیگر پیش رفته‌اند؛ البته با این تفاوت که نقد ساختاری در بیشتر مقالات این گروه الگوی نظری ندارد. همچنین در نقد ساختاری، فراوانی بررسی موضوع شخصیت و شخصیت‌پردازی بسیار جلب توجه می‌کند.

محمدی کله‌سر (۱۳۹۲) تعدادی از پژوهش‌های حوزه مطالعات ادبی را از نظر چگونگی گزینش متن و روش‌شناسی بررسی کرده است. میرزابابازاده فومشی (۱۳۹۲) نیز با بررسی انتقادی مجموعه مقالات دومین همایش نيماشناسی دانشگاه مازندران، به برخی ضعف‌های مقاله‌های این همایش مانند تکرار پژوهش‌های پیشین، ایراد ساختاری، نوشته‌رئبایی و سطحی‌نگری موضوعات اشاره کرده است. همچنین میرزابابازاده فومشی و خجسته‌پور (۱۳۹۲) به دنبال بررسی پژوهش‌هایی که بر اساس رویکرد تاریخ‌گرایی نو نگاشته شده‌اند، دریافته‌اند درک نادرست پژوهشگران از این رویکرد، سبب بروز ضعف‌های جدی در مقالات این حوزه شده است. حیاتی و همکارانش نیز (۱۳۹۳) با بررسی انتقادی مقالات دو مجله علمی - پژوهشی *نقد ادبی* و *بهار ادب* در سال ۱۳۸۹ کوشیده‌اند به دورنمایی از شاخصه‌های مطالعات سبک‌شناسی و نقد ادبی در ایران دست یابند.

بیات (۱۳۹۴) با بررسی هجده مقاله علمی - پژوهشی به شناسایی و معرفی خطاهای رایج در شناخت شیوه جریان سیال ذهن پرداخته است. مروتی و حسام‌پور (۱۳۹۴) نیز مقاله‌های منتشرشده در شماره‌های ۱ - ۲۸ فصلنامه علمی - پژوهشی *نقد ادبی* را از نظر استادهايشان بررسی و تحلیل کرده‌اند. همچنین آقانوری (۱۳۹۵) با هدف آسیب‌شناسی و رفع موانع پژوهشی حوزه ادبیات پایداری، ۵۱۳ پژوهش منتشرشده در این حوزه را واکاوی و انحراف‌های عمده آن‌ها را شناسایی و نقد کرده است. امن‌خانی (۱۳۹۵) نیز با واکاوی تعدادی از پژوهش‌های شالوده‌شکنانه مربوط به یک دیدگاه نظری خاص، دریافته است که لغزش در درک مفاهیم شالوده‌شکنی، تقلیل و ساده‌سازی مفاهیم دریدایی و خلط شالوده‌شکنی با هرمنوتیک از کاستی‌های عمده این پژوهش‌هاست. رضوانیان و کیانی بارفروشی (۱۳۹۶) هم با درک ضرورت بررسی

آسیب‌شناسانه پژوهش‌های ادبی، به ارزیابی انتقادی مقالات ادبی دانشگاهی از دیدگاه هژمونی ایدئولوژیک و روش‌شناسی پرداخته‌اند.

پژوهش‌های گوناگون درباره یک مسئله پژوهشی در یک حوزه علمی نشان‌دهنده اهمیت آن مسئله و پویایی آن حوزه است و به تکامل آن موضوع پژوهشی منجر می‌شود؛ البته این تکامل هنگامی روی می‌دهد که پژوهشگران هم از پژوهش‌های پیشین خویش به‌درستی استفاده کنند و هم کار پژوهشی‌شان را درست و کافی گزارش دهند تا پژوهشگران بعدی نیز بتوانند از یافته‌های آنان به‌صورت کاربردی بهره ببرند.

موضوع شخصیت و شخصیت‌پردازی نیز از آن‌رویی که از ارکان اصلی و مهم ادبیات داستانی است، در کانون توجه بسیاری از منتقدان و پژوهشگران قرار گرفته و بارها از منظرهای گوناگون به آن پرداخته شده است؛ اما تاکنون این پژوهش‌ها به‌صورت جامع و با نگاهی انتقادی و آسیب‌شناختی بررسی نشده‌اند. بازنگری و تحلیل نقدهایی که با محوریت این موضوع شکل گرفته، ابعاد گوناگون آن‌ها را می‌نمایاند و با ارائه سیمایی روشن از مسیری که این موضوع در عرصه نقد طی کرده است، مخاطبان و پژوهشگران بعدی را در ادامه درست این مسیر و نگارش مقاله‌هایی سودمند و کاربردی یاری می‌کند؛ بنابراین اهمیت این موضوع سبب شکل‌گیری مقاله پیش‌رو شده است.

### ۳. بررسی مقاله‌ها

در این بخش، ۷۳ مقاله یافته‌شده<sup>۷</sup> از وجوه گوناگون (موضوع، روش گردآوری داده‌ها، روش پژوهش و تحلیل، نظریه‌های استفاده‌شده، نمونه‌ها، ساختار، منابع و یافته‌ها) بررسی و تحلیل می‌شوند.

#### ۳-۱. بررسی موضوعی

پس از بررسی موضوعات محوری مقاله‌ها می‌توان آن‌ها را در پنج گروه کلی جای داد:  
۱. بررسی ویژگی‌های شخصیت‌ها و شیوه‌های شخصیت‌پردازی؛ ۲. چگونگی اثرگذاری جامعه و رویدادهای اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت‌های داستانی؛

۳. ویژگی‌های روان‌کاوانه شخصیت‌های داستانی؛ ۴. پیوند عناصر دیگر داستان با شخصیت و شخصیت‌پردازی؛ ۵. واکاوی کنش شخصیت‌ها. البته برخی از مقاله‌ها هم‌زمان به چند موضوع پرداخته‌اند و ممکن است در چند دسته جای بگیرند؛ اما در بررسی‌ها رویکرد غالب مقاله در نظر گرفته شده است.

### ۳- ۱- ۱. بررسی ویژگی‌های شخصیت‌ها و شیوه‌های شخصیت‌پردازی

از ۷۳ نمونه پژوهش حاضر، هدف ۴۲ مقاله (۵۷ درصد) بررسی انواع شخصیت، تیپ شخصیتی و چگونگی پردازش آنان بوده است. شکل‌گیری بیش از نیمی از مقاله‌ها بر اساس تقسیم‌بندی آشنا و مرسوم انواع شخصیت و شیوه‌های شخصیت‌پردازی و بیشتر بر پایه کتاب عناصر داستان جمال میرصادقی بوده است. این موضوع افزون بر اینکه نشانه رواج و فراگیری این رویکرد است، کلیشه‌ای شدن آن و در نتیجه کاربرد اندک رویکردهای دیگر را هم بیان می‌کند.

در این میان مقاله‌هایی نیز دیده می‌شود که با نگاهی تازه‌تر به چگونگی خلق شخصیت‌های داستانی نگریند؛ از آن جمله رادمش (۱۳۹۴) پس از بررسی کارکرد ارزش‌مدارانه شخصیت‌ها و حوادث داستان «اولدوز و عروسک سخن‌گو»، ارتباط صفات ارزشی و ضد ارزشی را با شخصیت‌پردازی و حادثه‌ها بررسی کرده است. او با انتخاب این رویکرد، تلاش کرده از تکرار مباحث پیشین اندکی بپرهیزد. شکروی و نوروزیان (۱۳۸۷) از اصول ریاضی در تجزیه و تحلیل‌های ادبی بهره برده و شخصیت و شخصیت‌پردازی را در داستان‌های کوتاه ایرانی و خارجی بررسی کرده‌اند. آنان با استفاده از نظریه سیستم‌ها، تغییر و تحولات شخصیت‌ها و رابطه آن‌ها را در ابتدا و انتهای داستان، در فرایندی نظام‌مند تحلیل و تبیین کرده‌اند. بر پایه بررسی‌های ایشان، داستان به‌طور کلی یک سیستم است و ممکن است سیستم به‌ازای همه ورودی‌ها، یک پاسخ ثابت بدهد و در ظاهر، ورودی و خروجی سیستم با هم مساوی باشند. داستان‌نویسان صاحب اندیشه یا صاحب سبک عملکردهای ویژه‌ای را برای سیستم‌های داستانی خود طراحی کرده‌اند. برخی نویسندگان به وابستگی میان ورودی و خروجی معتقدند و آن را در طراحی شخصیت‌هایشان در نظر می‌گیرند؛ از این رو



خروجی‌های آن‌ها پیش‌بینی‌شدنی است. بعضی نیز مانند ناتورالیست‌ها بر این باورند که خروجی مستقل از ورودی است و هر شخصیت در پهنه داستان در نهایت زیر بار جبر طبیعت قربانی می‌شود و این پایان‌یابی به نوع شخصیت ارتباط ندارد. مقاله عزتی و مدرس (۱۳۹۳) نیز با دوری از موضوعات کلیشه‌ای، شگردهای دانشور را در چگونگی ترسیم پایان‌ناپذیری شخصیت‌ها و نوع رویارویی آنان با مرگ در کانون توجه خود قرار داده است. نگارندگان این مقاله از بررسی نوع نمود شخصیت‌ها و شیوه پردازش آنان دریافته‌اند دانشور در داستان «متبرک باد خلیفه بودن انسان بر زمین، متبرک باد» با ایجاد بستر ژرف‌ساختی متناسب با مضمون داستان کوشیده است با کمک مباحث اشراقی و عرفانی اهل حق، چهره‌ای پایان‌ناپذیر از شخصیت‌ها ارائه دهد و از این رهگذر به هم‌ماهیتی شخصیت داستان با «من» نوعی در عرفان دست یابد؛ افزون بر این، مقاله نشان می‌دهد که در داستان دانشور، شاخص شخصیت هم در خدمت هدف متن است و هم خود یک عنصر داستانی در مفهوم «کل» است.

بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی زنان نیز دیگر موضوع پرتکرار این گروه است که در هفت مقاله (۱۶ درصد) به آن پرداخته شده و نمایانگر توجه ویژه پژوهشگران به این موضوع است (رک: ملابراهیمی و یگانه دیزج‌ور، ۱۳۹۳؛ ناظمیان و طباطبایی، ۱۳۹۱؛ حبیبی، ۱۳۹۳؛ رودبار محمدی و حائری، ۱۳۹۳ و...).

### ۳ - ۱ - ۲. چگونگی اثرگذاری جامعه و رویدادهای اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت‌های داستانی

اثرگذاری عوامل اجتماعی بر شکل‌گیری شخصیت‌ها و پیوند تنگاتنگ رویدادهای اجتماعی با ادبیات داستانی سبب شده چگونگی نمود رخدادها و اجتماعی در آن‌ها، در جایگاه یکی از موضوعات پژوهشی پرتکرار، در چهارده مقاله (۱۹ درصد) بررسی شود. نگارندگان این گروه از مقالات بر این باورند که داستان‌نویسان از رویدادها و دگرگونی‌های مهم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سرزمینشان اثر می‌پذیرند و این تأثیر در داستان‌های آنان نیز نمودی آشکار یافته است. گاهی شخصیت‌های داستانی در جایگاه نمایندگان یک گروه و طبقه اجتماعی، مشکلات و ضعف‌های جامعه را

به‌نمایش می‌گذارند. مقاله‌های شمیسا و تدینی (۱۳۸۶)، علی‌زاده و نظری انامق (۱۳۹۰)، رجبی و موسویان‌نژاد (۱۳۹۱) و نوروزی و همکاران (۱۳۹۳) از نمونه‌هایی هستند که با بررسی شخصیت‌ها، بازتاب وضعیت جامعه یک دوره معین را در داستان‌ها بازنموده‌اند. از این مقاله‌ها می‌توان دریافت که مشکلات اجتماعی گوناگون مانند نژادپرستی، جنگ و مهاجرت، قومیت‌گرایی و ضعف فرهنگی تا چه اندازه می‌توانند در شکل‌گیری شخصیت‌ها نقش ایفا کنند.

در برخی مقاله‌ها نیز نقش‌های اجتماعی شخصیت‌های داستانی بررسی شده تا میزان اثرپذیری آنان از اجتماع و همخوانی‌شان با جامعه روشن شود (ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۸۹؛ امیری خراسانی و حسن‌پور، ۱۳۸۹؛ حسن‌زاده و رضویان، ۱۳۹۰). در این میان، جایگاه و نقش زنان در جامعه توجه ویژه پژوهشگران را به خود معطوف کرده است. مقصودی (۱۳۸۳) و صادقی جعفری (۱۳۸۷) با توجه به دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نقش زنان را در داستان‌های کودکان بررسی کرده‌اند تا چگونگی اثرپذیری زنان از جامعه ایران را دریابند. رجبی و موسویان‌نژاد (۱۳۹۱) هم جایگاه اجتماعی زنان ایران و مصر را با سنجش دو رمان سنگ صبور چوبک و میرامار محفوظ تحلیل کرده‌اند. کریمی و بابازاده اقدم (۱۳۹۱) نیز به بررسی خصوصیات اجتماعی زنان لبنان در رمان‌های تاریخی جرجی زیدان پرداخته‌اند. البته اثرپذیری داستان‌نویسان از جامعه، گاه به خلق شخصیت‌هایی تازه یا ویژه در ادبیات داستانی انجامیده است؛ برای نمونه یحیی‌پور و بیدختی‌نژاد (۱۳۹۳) بر این باورند که ماکسیم گورکی متأثر از اجتماعی که در آن رشد کرده، تیپی نو به‌نام «پابرهنگان» را به ادبیات روسیه معرفی کرده و به آن‌ها خصوصیتی منحصر به فرد مانند آزادگی، غرور و عزت نفس، پویایی و جست‌وجوگری بخشیده است. پابرهنگان که تیپ پُر تکرار آثار گورکی هستند، با هدف یافتن جایگاه خود در اجتماع، با اندیشه‌ورزی و پرسشگری، زندگی و جامعه را نیز به چالش می‌کشند.

### ۳-۱-۳. تحلیل ویژگی‌های روان‌کاوانه شخصیت‌های داستانی

نگارندگان ده مقاله (۱۴ درصد) از مقاله‌های یادشده به ویژگی‌های روحی و روانی شخصیت‌های داستانی توجه کرده‌اند. در این مقاله‌ها، ویژگی‌های روان‌شناختی و

تیپ‌شناسی شخصیت‌ها، اختلالات و بیماری‌های روحی آنان، تأثیر غرایز جنسی در منش افراد، بحران هویت و تأثیر عوامل محیطی در شکل‌گیری آن‌ها به کمک آرای افرادی همچون کارن هورنای، فروید، اریکسون و مایزر - بریگز بررسی شده است (ر.ک: اظهري و صلاحی مقدم، ۱۳۹۱؛ خلیلی تیلمی، ۱۳۸۴؛ فرضی و خسروحسینی، ۱۳۹۰؛ قاسمی و جلالی پندری، ۱۳۹۴). بررسی آثار اصغر الهی از منظر روان‌شناختی دو بار در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته (ر.ک: بهنام‌فر و طلایی، ۱۳۹۲؛ بهنام‌فر و همکاران، ۱۳۹۳). درخور ذکر است که روان‌پزشک بودن اصغر الهی و اثرگذاری آن در پردازش عمیق شخصیت‌ها و حالات روحی آنان دلیل این توجه ویژه بوده است. آثار ساعدی، هدایت، معروفی و گلشیری از دیگر نمونه‌هایی هستند که با رویکرد روان‌کاوانه بررسی شده‌اند. همان گونه که از جدول شماره یک برمی‌آید، نظریه روان‌شناختی هورنای با سه مقاله، از نظریه‌های کاربردی برای نقد روان‌کاوانه شخصیت‌های داستانی به‌شمار می‌آید.

### ۳ - ۱ - ۴. پیوند عناصر دیگر داستان با شخصیت و شخصیت‌پردازی

در هفت مقاله (۹ درصد) افزون بر شخصیت و شخصیت‌پردازی، پیوند آن‌ها با عناصر دیگر داستان در کانون توجه بوده است. پارسا و حاجی (۱۳۹۲) و پشت‌دار و گروسی (۱۳۹۲) با تمرکز بر گفت‌وگوها، پیوند و تناسب میان شخصیت‌ها و زبان‌شان را بررسی کرده‌اند. چگونگی اثرپذیری شخصیت‌ها از گونه اثر و سبک آن نیز در مقاله‌های پاینده (۱۳۸۸) و دیباج (۱۳۹۱) مطالعه شده است؛ برای نمونه بر اساس مقاله دیباج (۱۳۹۱)، اینکه شخصیت‌های داستان‌های زولا از خلق و خویی انسان‌وار برخوردارند و به جبر از تأثیر وراثت در اعمال خود دچارند، به دلیل تأثیر دیدگاه ناتورالیستی زولا و سبک داستان‌های اوست. همچنین پژوهش پاینده (۱۳۸۸) نشان می‌دهد دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی آل‌احمد سبب شده شخصیت‌های مدیر مدرسه بیش از آنکه به شخصیت‌های داستان‌های رئالیستی شبیه باشند، افرادی تک‌بعدی و بی‌اراده باشند که نظرهای ایدئولوژیک نویسنده را بیان می‌کنند.

نصر اصفهانی (۱۳۸۷) و عزتی و مدرسی (۱۳۹۳) نیز پیوند درون‌مایه را با چگونگی ساخت شخصیت‌ها بررسی کرده‌اند. خواجه‌پور و علامی (۱۳۹۲) به رابطه

شخصیت با زاویه دید، زمان روایت و موضوع توجه کرده‌اند؛ البته کوتاهی و فشردگی این بخش و نمونه‌های بسیار اندک آن به استواری تحلیل‌ها آسیب زده است. برخی پژوهشگران در کنار بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی، به عناصر دیگر مانند درون‌مایه، نمادها، پی‌رنگ، روایت و زبان نیز توجه کرده‌اند؛ اما چون عناصر پیش‌گفته به صورت مستقل و جداگانه بررسی شده‌اند و پیوند آن‌ها با شخصیت‌پردازی نادیده گرفته شده است، در این بخش به آن‌ها اشاره نمی‌شود (رک: اکرمی و پاشایی، ۱۳۹۲؛ سلیمی کوچی، ۱۳۹۰؛ ابراهیمی، ۱۳۸۹).

### ۳- ۱- ۵. بررسی کنش شخصیت‌ها و پیوند میان آنان

بررسی کنش‌ها، پیوند میان شخصیت‌ها و نقش آن‌ها در داستان بر پایه نظریه کنشگر گریماس، محور شکل‌گیری پنج مقاله (۷ درصد) بوده است.

### ۳- ۲. بررسی مقاله‌ها از نظر روش گردآوری داده‌ها، تحقیق و تحلیل

در ۷۲ مقاله‌ای که نگارندگان به متن کامل آن‌ها دسترسی داشته‌اند، همه پژوهشگران برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و سندکاوی بهره برده‌اند؛ البته فقط در هفت مقاله به روش گردآوری اطلاعات اشاره شده است؛ گویی رواج فراوان و بدیهی بودن این شیوه در پژوهش‌های حوزه نقد ادبی سبب شده نویسنده‌گان از ارائه دقیق روش پژوهش خودداری کنند.

سودمندی و کارآمدی ابزار کتابخانه‌ای - اسنادی در پژوهش‌های ادبی روشن است و همین کارکرد آن را به یگانه روش گردآوری داده‌ها در تحقیق‌های حوزه ادبیات تبدیل کرده است؛ اما کاربرد پیوسته این روش خاص در همه پژوهش‌ها، محدودیت نتایج و تعامل نداشتن با مخاطبان را به دنبال داشته است. استفاده از برخی روش‌های میدانی مانند پرسش‌نامه، مصاحبه، سنجش و آزمایش، در کنار روش کتابخانه‌ای - اسنادی و تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه‌های مخاطب‌محور، به‌ویژه در قالب رساله‌ها و طرح‌های پژوهشی می‌تواند نظر و واکنش مخاطبان را نیز درباره آثار داستانی بازنمایاند و نتایجی جامع به‌همراه آورد؛ مثلاً با بهره‌گیری از روش پیش‌گفته می‌توان دریافت که

برخی شخصیت‌های داستانی چگونه در ذهن و ضمیر بسیاری از خوانندگان ماندگار شده‌اند یا کاربرد کدام شگردها از سوی نویسندگان یا داشتن چه ویژگی‌های شخصیتی، آنان را به نام‌هایی جاودان و فراموش‌نشده تبدیل کرده است. نتایج چنین پژوهشی نویسندگان را نیز با چگونگی خلق شخصیت‌های ماندگار آشنا می‌کند.

روش تحقیق نیز در همه مقالات، تحلیل محتواست که با توجه به ماهیت پژوهش‌های ادبی، طبیعی و پذیرفتنی است. افزون بر این، پژوهش‌های علمی را بر اساس ماهیت داده‌های تحقیق می‌توان به دو نوع کمی و کیفی تقسیم کرد.

دانشمندان در پژوهش کمی که بر اساس مکتب اثبات‌گرایی<sup>۸</sup> استوار است، علاقه‌مند به تبدیل اطلاعات تحقیق به صورت نمادهای ریاضی‌اند تا برای تحلیل‌های آماری قابلیت داشته باشد؛ اما پژوهش کیفی که بر مکتب پسااثبات‌گرایی<sup>۹</sup> بنا شده است و از روش‌شناسی تفسیری پیروی می‌کند، توصیفی است که در آن محقق به فرایند معنا و درک حاصل از واژگان و تصاویر تمایل دارد. هدف در پژوهش کیفی در ادبیات، رسیدن به قوانین ثابت نیست و پژوهشگر قصد ندارد با تعمیم یافته‌های خود به قانونی جهان‌شمول برسد؛ بلکه هدف او توصیف و فهم پدیده‌ها و در نهایت رسیدن به الگوهاست. در این نوع پژوهش که بر خلاف روش کمی بر شیوه استقرایی استوار است، پژوهشگر می‌داند که نتایج تحقیق او به زمینه‌ها و شرایط موجود و زمان تحقیق وابسته است (رضی، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

از بازنگری نمونه‌های بررسی‌شده دریافت می‌شود ۶۴ مقاله از روش کیفی و ۸ مقاله از ترکیب دو روش کمی و کیفی استفاده کرده‌اند. از میان این هشت پژوهش، در هفت مقاله، نتایج بررسی‌های پژوهشگران درباره نوع (ایستایی و پویایی، ساده و جامع بودن، قالبی یا نوعی بودن و...)، گونه (جانوری، انسانی، دست‌ساخته و...)، جنسیت، نحوه نام‌گذاری (نام داشتن یا بی‌نام بودن) و نقش‌های (اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) شخصیت‌ها در قالب جدول اعداد و نمودار ارائه شده است (ر.ک: مقصدی، ۱۳۸۳؛ صادقی جعفری، ۱۳۸۷؛ خواجه‌پور و علامی، ۱۳۹۲؛ نیری و مرتضایی، ۱۳۹۲؛ قادری و زارع بیدکی، ۱۳۹۲؛ پشت‌دار و گروسی، ۱۳۹۲؛ حبیبی، ۱۳۹۳). اما روش کمی در مقاله قاسمی و جلالی پندری (۱۳۹۴) جایگاهی کمابیش متفاوت دارد؛ به این ترتیب که نگارندگان

نخست هر یک از عبارت‌هایی را که معرف شخصیت‌های رمان نمونه هستند، بر اساس مؤلفه‌های تیپ‌شناسی الگوی مایرز - بریگز بررسی و امتیاز هر مؤلفه را مشخص کرده و در نهایت هر شخصیت را بنا بر امتیازات کسب‌کرده در طبقه‌های گوناگون تیپ‌شناسی جای داده‌اند.

همچنین روش تحلیل نمونه‌ها در همه مقاله‌ها، توصیفی - تحلیلی است که به دلیل همخوانی با ماهیت و شکل پژوهش‌های حوزه ادبیات، بسیار کاربرد دارد؛ البته به نظر می‌رسد رواج این شیوه نیز سبب شده بیشتر پژوهشگران از مشخص کردن روش تحلیلشان خودداری کنند؛ از این رو فقط در یازده مقاله آشکارا به روش تحلیل اشاره شده است.

پررنگ‌تر بودن وجه توصیف به جای تحلیل ویژگی بسیاری از مقاله‌هاست. نگارندگان در این مقاله‌ها، صرفاً به ارائه گزارش و تصویری از مسئله بسنده کرده‌اند. برای نمونه سرامی و مقیسه (۱۳۹۲) بر آن بوده‌اند تا ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری و اعتقادی شخصیت‌های اصلی داستان مدیر مدرسه را بررسی کنند؛ اما بخشی چشمگیر (ده صفحه) از مقاله هجده صفحه‌ای آنان به موضوعاتی همچون درون‌مایه و سبک اثر، برخی صنایع ادبی آن و قهرمان‌محوری در قرآن کریم اختصاص یافته و در بخش اصلی نیز برای هر یک از ویژگی‌های اخلاقی، اعتقادی و رفتاری قهرمانان، فقط یک نمونه از متن کتاب آورده شده است، بی‌آنکه بررسی و تحلیل شوند.

قدیمی (۱۳۸۳) نیز بیشتر از آنکه نوع و چگونگی اثرگذاری نظرهای روان‌کاوانه فروید را بر توصیف شخصیت‌های آثار اشتفان تسوایگ بررسی کند، گزارشی از وضعیت آن‌ها ارائه کرده است. مقاله امیری خراسانی و حسن‌پور (۱۳۸۹) هم که به دنبال بررسی مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های رمان دفاع مقدس بوده، به متنی توصیفی و انشاپردازانه تبدیل شده است. در این مقاله، شخصیت‌های داستانی بر اساس الگویی یک‌دست و منظم تحلیل نشده‌اند؛ بلکه زیر عنوان هر یک از مؤلفه‌های پایداری، بخش‌هایی از کنش‌ها و گفت‌وگوهای (عموماً دیالوگ‌های شعارگونه) شخصیت‌ها نقل شده تا حضور این مؤلفه‌ها در رمان‌ها نمایانده شود. با این روش بررسی، گویی نویسندگان مؤلفه‌هایی آشکار و از پیش تعیین شده داشته و فقط

به دنبال آوردن نمونه‌هایی برای اثبات آن‌ها بوده‌اند. مقاله‌های توصیفی نیز در جایگاه خود، دارای اهمیت‌اند؛ اما یکی از مؤلفه‌هایی که بر اعتبار علمی پژوهش‌ها می‌افزاید، وجه تحلیلی آن‌هاست. در واقع پژوهشگر به کمک تحلیل می‌تواند داده‌ها و توصیف‌ها را ارزیابی کند و به نتایج کاربردی و اثربخش دست یابد.

### ۳ - ۳. تحلیل مقاله‌ها از نظر رویکرد و نظریه‌های به کار گرفته

نقد زیبایی‌شناختی آثار پرکاربردترین رویکرد استفاده‌شده (۵۴ مقاله) برای تحلیل نمونه‌های داستانی است. بیشتر پژوهشگران به دنبال آن بوده‌اند تا تکنیک‌های اثرگذار در پردازش موفق شخصیت‌ها را بررسی کنند و مؤلفه‌هایی را که سبب افزایش جذابیت داستان‌ها می‌شوند، دریابند. در این نوع نقد، برای تحلیل شخصیت‌های داستانی، رویکردهایی مانند بررسی نوع و شیوه پردازش، ساختارگرایی، روایت‌شناسی، زبان‌شناسی و... به کار گرفته شده است. همچنین پیوند دوسویه اجتماع و ادبیات سبب شده منتقدان در چهارده مقاله برای بررسی شخصیت‌های داستانی از نقد جامعه‌شناختی بهره ببرند. نقد روان‌شناختی نیز در ده مقاله به کار رفته و نشان می‌دهد بررسی شخصیت‌ها به منزله انسان‌هایی واقعی با ویژگی‌های روان‌شناختی و مشکلات روانی نیز در کانون توجه پژوهشگران است.

از این تعداد پژوهش، ۲۳ مقاله بر پایه نظریه‌های گوناگون ادبی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی شکل گرفته‌اند:

جدول ۱. نظریه‌های به کاررفته و میزان کاربرد آن‌ها

شماره ردیف	عنوان نظریه	تعداد مقاله‌ها
۱	نظریه کنشگر گریماس (ر.ک: پورشهرام، ۱۳۸۹؛ حاجی‌زاده و ابهن، ۱۳۹۲؛ حسن‌پور، ۱۳۸۹؛ حیدری جامع‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۰؛ علوی مقدم و پورشهرام، ۱۳۸۷)	۵
۲	نظریه روان‌شناختی کارن هورنای (ر.ک: بهنام‌فر و همکاران، ۱۳۹۱؛ بهنام‌فر و طلایی، ۱۳۹۳؛ شاکری و بخشی، ۱۳۹۴)	۳

۲	نظریه فروید درباره سطوح ذهن و فعالیت‌های روانی (ر.ک: فرضی و خسرو حسینی، ۱۳۹۰؛ قدیمی، ۱۳۸۳)	۳
۱	نظریات روان‌شناختی فروید و آدلر و لاکان (ضمیمه ناخودآگاه، عقده ادیپ و عقده حقارت) (ر.ک: اظهاری و صلاحی مقدم، ۱۳۹۱)	۴
۱	نظریه مراحل هشت‌گانه زندگی اریکسون (ر.ک: محرمی و همکاران، ۱۳۹۰)	۵
۱	نظریه انواع نقش‌ها از پارسونز (ر.ک: مقصودی، ۱۳۸۳)	۶
۱	نظریه تیپ‌نمای مایزر-بریگز (ر.ک: قاسمی و جلالی پندری، ۱۳۹۴)	۷
۱	نظریه «تن بیگانه» از ژولیا کریستوا (ر.ک: سلیمی کوچی و سکوت جهرمی، ۱۳۹۴ الف)	۸
۱	نظریه «قهرمان مسئله‌دار» لوکاج <sup>۱۱</sup> و گلدمن <sup>۱۲</sup> (ر.ک: حسن‌زاده میرعلی و رضویان، ۱۳۹۰)	۹
۱	نظریه نشانه‌شناسی اجتماعی از ژان مری کلنکن برگ (ر.ک: سلیمی کوچی و سکوت جهرمی، ۱۳۹۴ ب)	۱۰
۱	مکتب اروپای شرقی در نقد تطبیقی (ر.ک: رجیبی و موسویان‌نژاد، ۱۳۹۱)	۱۱
۱	مکتب امریکایی در نقد تطبیقی (ر.ک: قوام و بهنام، ۱۳۹۰)	۱۲
۱	نظریه دستور روایت تودوروف (ر.ک: حسینی سروری، ۱۳۹۲)	۱۳
۱	مفهوم مفصل‌بندی در رویکرد تحلیل گفتمان لاکلو و موف (ر.ک: همان)	۱۴
۱	نظریه سیستم‌ها (اصول ریاضی) (ر.ک: شکروی و نوروزیان، ۱۳۸۷)	۱۵
۱	نظریه روایت ژپ لینت ولت (ر.ک: نورایی و خدادادی، ۱۳۹۳)	۱۶



بر اساس جدول شماره یک، نظریه کنشگر گریماس با پنج مقاله بیشترین کاربرد را در میان نظریات داشته است. بنا بر نظر نویسندگان این مقالات، الگوی کنشگر گریماس برای تحلیل برخی عناصر داستانی، به ویژه شخصیت، الگویی نظام مند و موفق است و با ساختار بسیاری از آثار داستانی همخوانی دارد.

در بقیه مقاله‌ها نیز رویکردهای روان‌شناختی هورنای، فروید، آدلر، لاکان، اریکسون و مایزر - بریگز در کانون توجه محققان قرار داشته است؛ البته احمدزاده بیانی و شوری (۱۳۸۹) نیز در مقاله خویش گفته‌اند می‌خواهند داستان‌های کانتربری را از منظر نظریه نشانه‌شناسی و تأویل متن بررسی کنند؛ اما از آنجا که به چارچوب و مؤلفه‌های این نظریه‌ها نپرداخته‌اند، در جدول بالا به مقاله آنان اشاره نشده است.

در پیوند با کاربری نظریه‌های جدید برای بررسی نمونه‌های داستانی فارسی باید گفت از آسیب‌های شایع در بیشتر مقاله‌های نظریه‌مدار این است که گاهی کاربرد نظریه آن چنان که باید، نتوانسته به بررسی بهتر نمونه کمک کند و میان مبانی نظری و متن بررسی شده پیوندی ایجاد نشده است. انتخاب نادرست نظریه‌ها، برداشت ناقص پژوهشگران از چارچوب نظری آن‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان نظریه‌ها و متن‌های ادبی از دلایلی هستند که به ناهمخوانی نظریه‌ها با نمونه‌های داستانی منجر شده است. بهره‌گیری از نظریه‌های جدید هنگامی کارآمد و شایسته است که گرهی را از متن باز کند یا ظرفیتی پنهان در متن را آشکار سازد؛ اما چنانچه نظریه نتواند به دریافتی تازه از متن کمک کند، ارزشی نخواهد داشت (ر.ک: احمدزاده بیانی و شوری، ۱۳۸۹؛ قدیمی، ۱۳۸۳).

### ۳ - ۴. بررسی نمونه‌های داستانی

در این مقاله‌ها تعداد نمونه‌های بررسی شده از یک داستان کوتاه تا دویست کتاب داستانی کودک متغیر بوده است و مقاله‌هایی که آثار بیشتری را بررسی کرده‌اند، برگرفته از پایان‌نامه‌های نویسندگان آن‌ها بوده‌اند (ر.ک: صادقی جعفری، ۱۳۸۷؛ مقصودی، ۱۳۸۳؛ نبیری و مرتضایی، ۱۳۹۲). در این مقاله‌ها به برخی نویسندگان و آثارشان بیشتر توجه شده؛ از آن جمله است: سووشون، ساریبان سرگردان و جزیره سرگردانی از سیمین

دانشور، *نون والقلم* و مدیر مدرسه اثر آل احمد، *سمفونی مردگان* و *پیکر فرهاد* از عباس معروفی، زمین سوخته و همسایه‌ها اثر احمد محمود، جای خالی سلوچ و کلیدر نوشته محمود دولت‌آبادی، بوف کور، زنده‌به‌گور، سگ ولگرد، سه قطره خون، علویه خانم، *ولنگاری* و «داش‌آکل» از صادق هدایت، شوهر آهوخانم اثر علی محمد افغانی، *ارمیا* نوشته امیرخانی، *دوشنبه‌های آبی ماه* از محمدرضا کاتب، و آثار گلشیری، نادر ابراهیمی و صمد بهرنگی.

بعضی از این آثار نیز چند بار با رویکردی مشابه تحلیل شده‌اند؛ مثلاً از چهار مقاله‌ای که به نقد آثار آل احمد (مدیر مدرسه: سه مقاله، *نون والقلم*: یک مقاله) پرداخته‌اند، سه مقاله با رویکرد جامعه‌شناختی آثار وی را بررسی کرده‌اند. پاینده (۱۳۸۸) مدیر مدرسه را از نظر تأثیر سبک (رنالیستی) بر عناصر دیگر داستان (شخصیت و مکان، درون‌مایه و...) و میزان پایندی آل احمد به روش نگارش رئالیست‌ها واکاوی نموده است. حسن‌زاده میرعلی و رضویان (۱۳۹۰) نیز به کمک آرای لوکاچ و گلدمن، کنش و عملکرد قهرمانان مسئله‌دار را در *رمان مدیر مدرسه* تحلیل کرده‌اند. پارسا و حاجی (۱۳۹۲) در بخشی از مقاله‌شان، تأثیر گرایش‌های فکری و اجتماعی آل احمد را در خلق تیپ‌های شخصیتی و زبان آنان نشان داده‌اند. رد پای مباحث اعتقادی و جامعه‌شناسی در نمونه چهارم، یعنی مقاله سرامی و مقیسه (۱۳۹۲) هم آشکار و ملموس است؛ اما با توجه به غلبه نقد زیبایی‌شناختی در این مقاله، این مباحث کمتر نمود دارد.

برخی داستان‌ها نیز برای نویسندگان مقالات جاذبه بیشتری برای تحلیل جامعه‌شناسی داشته است. جزیره سرگردانی، *ساربان سرگردان* و *سووشون* سیمین دانشور از آن جمله‌اند (ر.ک: سلیمی کوچی و سکوت جهرمی، ۱۳۹۴ ب؛ حسن‌زاده میرعلی و رضویان، ۱۳۹۰؛ حیدری جامع‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۰). برجستگی موضوع یا درون‌مایه‌ای خاص در این آثار سبب شده محققان گوناگون، آن‌ها را از منظری مشابه بررسی کنند؛ تفاوت نظریه‌ها و رویکردها نه تنها از تکراری شدن مقاله‌ها جلوگیری کرده، بلکه به روشن شدن ظرفیت‌ها و ابعاد مختلف این آثار نیز یاری رسانده است.

پژوهشگران از داستان‌نویسان عرب، به ترتیب بر آثار نجیب کیلانی (شش رمان)، نجیب محفوظ (دو رمان)، جرجی زیدان (دو رمان تاریخی)، بنت‌الهدی صدر (دو مجموعه داستان)، زکریا تامر (دو داستان کودک)، یوسف ادريس (یک رمان)، غادة السمان (یک رمان)، جبران خلیل جبران (یک مجموعه داستان) و زهیر ابراهیم رسام (یک مجموعه داستان کودک) تمرکز کرده‌اند.

آثار داستانی آلمانی، فرانسوی، انگلیسی و روسی نیز در میان آثار بررسی شده بودند. نوع شخصیت‌ها و چگونگی پردازش آن‌ها در برخی آثار مانند در جست‌وجوی زمان گمشده اثر مارسل پروست، داستان‌های گورکی و داستان‌های کوتاه امانوئل اشمیت جداگانه بررسی شده‌اند. شماری از آثار همچون داستان‌های همینگوی، خوشه‌های خشم جان اشتاین‌بک، ژان باروا اثر روزه مارتن دوگار و قلعه حیوانات جورج اورول از نظر شیوه شخصیت‌پردازی به صورت تطبیقی با نمونه‌های ادبیات داستانی فارسی مقایسه شده‌اند.

یکی از اشکالات بسیاری از مقاله‌ها نامشخص بودن چگونگی انتخاب نمونه‌هاست. در بیشتر مقاله‌ها (۹۳ درصد) به دلایل انتخاب آثار هیچ اشاره‌ای نشده است. به نظر می‌رسد گزینش نمونه‌ها مبنای خاصی نداشته؛ توجه به نمونه‌های پرتکرار نشان می‌دهد شهرت نویسندگان یا آثار، همخوانی بیشتر آن‌ها با موضوع یا رویکرد مقاله و برجستگی یک موضوع در بعضی آثار، از انگیزه‌های پژوهشگران در انتخاب نمونه‌ها بوده است. در این میان، فقط حبیبی (۱۳۹۳)، سلیمی کوچی و سکوت جهرمی (۱۳۹۴ ب)، محمدی و طلاپور (۱۳۹۱)، نوروزی و همکاران (۱۳۹۳) و نیری و مرتضایی (۱۳۹۲) دلیل و هدف از انتخاب نمونه‌هایشان را برشمرده‌اند. یکی دیگر از نکات شایان توجه درباره نمونه‌های داستانی بررسی شده، حضور کم‌رنگ داستان‌های کودک و نوجوان است. با وجود اهمیت عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار داستانی این گروه‌های سنی، مقاله‌هایی اندک و انگشت‌شمار (۹ مقاله: ۱۴ درصد) به بررسی این عنصر در داستان‌های کودک و نوجوان پرداخته‌اند. در پنج مقاله، انواع شخصیت‌ها، کنش‌ها و چگونگی پردازش آنان در داستان‌های کودکان بررسی شده است. صادقی جعفری (۱۳۸۷) و مقصودی (۱۳۸۳) نقش و سیمای زنان را در داستان‌های کودکان و

نوجوانان بررسی کرده‌اند؛ سلطان بیاد و حنیف (۱۳۹۰) نیز در بخشی از مقاله‌شان به تصویر زنان در قصه‌های عامیانه ایرانی و داستان‌های هانس کریستین اندرسن پرداخته‌اند. افزون بر این، محرمی و همکارانش (۱۳۹۰) بر اساس نظریه روان‌شناختی اریکسون، شخصیت‌های داستانی مرادی کرمانی را واکاوی کرده‌اند. این در حالی است که اثرگذاری فراوان شخصیت‌های داستانی بر مخاطبان این گروه‌های سنی، نگارش پژوهش‌های بیشتر در این باره را طلب می‌کند. بررسی ژرف و علمی شخصیت‌ها و شیوه پردازش آن‌ها با هدف بازنمایی قوت‌ها و ضعف‌ها می‌تواند نویسندگان کودک و نوجوان را در خلق شخصیت‌هایی جذاب و ماندگار یاری کند و از این رهگذر بر تعداد مخاطبان این گونه ادبی بیفزاید.

### ۳-۵. بررسی ساختار مقاله‌ها

یکی از آسیب‌های فراگیر مقاله‌های بررسی شده اشکال در ساختار منطقی آن‌هاست. چکیده‌های ناقص و مبهم تعدادی چشمگیر از مقالات، نداشتن پیشینه پژوهش، مشخص نبودن هدف تحقیق و نرسیدن به نتیجه‌ای روشن از وجوه مشترک بسیاری از مقاله‌هاست (ر.ک: میرفندرسکی، ۱۳۷۲؛ علوی، ۱۳۷۹؛ قدیمی، ۱۳۸۳؛ گودرزی‌نژاد، ۱۳۸۸؛ نصر اصفهانی و جعفری، ۱۳۸۹؛ نصر اصفهانی، ۱۳۸۷؛ هاشمیان و صفایی صابر، ۱۳۸۹).

بررسی نشدن پیشینه پژوهشی موضوعات در چهل مقاله ضعف چهارچوب نظری برخی مقالات را نمایان می‌کند؛ البته پیشینه‌های پژوهشی برخی مقاله‌ها نیز بیشتر به نوعی فهرست منابع شباهت دارد؛ نویسندگان بی‌آنکه به محتوای نوشته‌های قبلی اشاره کنند و شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان را با موضوع خودشان برشمردند، فقط از آن‌ها نام برده‌اند؛ از این رو وجود بخش پیشینه به روند تحقیق کمکی نکرده است (ر.ک: یوزباشی و بهزادی اندوهجردی، ۱۳۹۰؛ نورایی و خدادادی، ۱۳۹۳؛ محرمی و همکاران، ۱۳۹۰؛ کریمی مطهر، ۱۳۸۱ و...).

کاستی‌های یادشده در ساختار مقاله‌ها در حالی روی داده که این مقالات از صافی داوران متخصص و صاحب‌نظر هر حوزه گذر کرده است. به‌نظر می‌رسد کم‌توجهی یا ناآشنایی برخی پژوهشگران با شیوه‌های رسمی نگارش مقاله، نبود شیوه‌نامه‌ای مشروح

و مدون و آسان‌گیری برخی داوران و مجلات در ارزیابی مقاله‌ها سبب رخداد این گونه کاستی‌ها شده است. گفتنی است تعداد این گونه نقص‌ها در دهه‌های گذشته بیشتر بوده و به‌مرور کاهش یافته است.

### ۳-۶. بررسی مقاله‌ها از نظر یافته‌ها

برای انسجام بیشتر این بخش، یافته‌های ۷۳ مقاله بررسی شده بر اساس رویکرد اصلی آن‌ها دسته‌بندی و بازنمایی شده است:

#### ۳-۶-۱. رویکرد روایت‌شناسانه و زیباشناختی

از نتایج مقاله‌های این بخش برمی‌آید که نخستین ویژگی پررنگ شخصیت‌ها ایستایی و سادگی آن‌هاست؛ همچنین داستان‌نویسان به خصوصیات باطنی و اخلاقی شخصیت‌ها بیشتر و به ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی‌شان کمتر توجه کرده‌اند. از میان شیوه‌های شخصیت‌پردازی نیز روش مستقیم بیشتر از شیوه غیرمستقیم کاربرد داشته است. توصیف مستقیم و گزارشی‌پُرکاربردترین شیوه شخصیت‌پردازی مستقیم است. استفاده از ابزار گفت‌وگو نیز در میان روش‌های غیرمستقیم بیشترین بسامد را دارد. بررسی اهمیت نام‌ها و دلالت معنایی آن‌ها در شخصیت‌پردازی نیز در کانون توجه برخی منتقدان بوده است.

نتایج مقاله‌های بررسی شخصیت زنان و شیوه‌های پردازش آنان نشان می‌دهد اریک امانوئل اشمیت و بنت‌الهدی صدر تصویری واقعی، پذیرفتنی و جهان‌شمول از زنان ارائه کرده‌اند. غنا و تنوع شخصیت‌های زنانه، ملموس بودن تحول آنان، هماهنگی فکر و عملشان و پرداختن به دغدغه‌های ذهنی و درونی آن‌ها در سووشون، از آشنایی ژرف دانشور با دنیای زنانه و موفقیت او در ترسیم چهره‌ای باورپذیر از زن ایرانی حکایت دارد.

نتایج مقاله‌هایی که بر تحلیل این عنصر در داستان‌های کودکان و نوجوانان تمرکز کرده‌اند، نیز شایان توجه است: نام‌ها به یکدیگر شباهت دارند و نام‌های جدید و خلاقانه کمتر دیده می‌شوند؛ شخصیت‌های حیوانی از نظر تعداد در رتبه نخست انواع

شخصیت‌ها قرار دارند؛ لحن شخصیت‌ها قلبی و تکراری است؛ تغییرات رخ داده در شخصیت‌های پویا فقط به یک جنبه وجودی آن‌ها محدود می‌شود (ر.ک: قادری و زارع بیدکی، ۱۳۹۲؛ میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نیری و مرتضایی، ۱۳۹۲).

بنا بر یافته‌های معدود مقالاتی که چگونگی پیوند شخصیت و شخصیت‌پردازی را با دیگر عناصر داستان بررسی کرده‌اند، عناصری همچون سبک، درون‌مایه، زاویه دید، زمان و مکان بر شیوه پردازش شخصیت‌ها اثر می‌گذارند. میان عنصر زبان و شخصیت نیز ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد که در بیشتر داستان‌ها نادیده گرفته می‌شود؛ به بیان دیگر، زبان و لحن همه شخصیت‌ها یکسان است و تفاوت شخصیت‌ها، هویت و تمایز زبان آن‌ها را به دنبال نداشته است؛ برای مثال زبان شخصیت‌های داستان‌های *نون و القلم*، *تهران منحوف*، «معصوم اول» و «معصوم سوم» از نیمه تاریک ماه گلشیری همه یک‌دست است (ر.ک: پارسا و حاجی، ۱۳۹۲؛ اکرمی و پاشایی، ۱۳۹۲؛ شفاعتی و گذشتی، ۱۳۹۱). البته نتایج برخی مقاله‌ها نشان می‌دهد در آثار موفق، مؤلفه‌هایی مانند جنسیت، طبقه اجتماعی، وضعیت اقتصادی، جایگاه فرهنگی، نگرش مذهبی، تفکر و بینش شخصیت‌ها در زبان و لحن آنان نمود یافته و به آن‌ها هویتی متمایز بخشیده است؛ داستان‌های کوتاه جمال‌زاده، سووشون، روی ماه خدائوند را بیوس و ژان باروا نمونه‌های این دسته از آثار هستند (ر.ک: کهدویی و شیروانی، ۱۳۸۸؛ پشت‌دار و گروسی، ۱۳۹۲؛ سلیمی کوچی، ۱۳۹۰).

دیگر نکته شایسته توجه این است که بیشتر محققان با بررسی شخصیت‌ها و شیوه‌های شخصیت‌پردازی در آثار گوناگون داستانی، فقط به توصیف داشته‌های موجود پرداخته و از ابراز نظر درباره کام‌یابی یا ناکامی نویسندگان در این بخش خودداری کرده‌اند. این مسئله سبب شده بسیاری از این مقالات نتوانند به آسیب‌شناسی وضعیت شخصیت و شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی یاری برسانند. ناگفته نماند که وجود عواملی مانند نسبی بودن معیارهای شخصیت‌پردازی موفق، نبود الگویی دقیق و روشن برای شناخت شخصیت‌های ماندگار و تفاوت سلیقه مخاطبان و منتقدان، قضاوت و نتیجه‌گیری قطعی در این باره را دشوار می‌کند؛ با این حال، به نظر می‌رسد پژوهشگران با تحلیل عمیق‌تر این عنصر داستانی می‌توانند به الگویی جامع و کاربردی

دست یابند و مانایی شخصیت‌ها و میزان کام‌یابی نویسندگان در پردازش آن‌ها را دقیق‌تر ارزیابی کنند.

بنا بر نظر نویسندگان مقاله‌ها، سووشون (سیمین دانشور)، زمین سوخته (احمد محمود)، دا (سیده زهرا حسینی)، پیکر فرهاد (عباس معروفی)، جای خالی سلوچ (محمود دولت‌آبادی)، الشحاذ (نجیب محفوظ)، مجموعه‌های لیتنی کنت‌اعلم و الخاله الضائعه (بنت‌الهدی صدر)، لیالی ترکستان، عذرا جاکرتا و عمالقہ الشمال (نجیب کیلانی) و برخی داستان‌های کوتاه اریک امانوئل اشمیت از نمونه‌های موفق ساخت و پردازش شخصیت‌های داستانی هستند.

### ۳- ۶- ۲. رویکرد جامعه‌شناختی

برایند بررسی آثار داستانی با رویکرد جامعه‌شناختی، از اثرگذاری فراوان جامعه و دگرگونی‌های اجتماعی بر شکل‌گیری شخصیت‌های داستانی حکایت می‌کند: شخصیت‌های رمان بادبادک‌باز آینه تمام‌نمای تحولات تاریخی و اجتماعی جامعه افغانستان (جنگ، نژادپرستی، تعصبات قومی و...) شده‌اند (ر.ک: نوروزی و همکاران، ۱۳۹۳)؛ گورکی متأثر از وضعیت اجتماع زمان خویش به خلق شخصیت پابره‌نه‌ها دست زده (ر.ک: یحیی‌پور و بیدختی‌نژاد، ۱۳۹۳)؛ بازتاب جنگ تحمیلی ایران و عراق در داستان‌ها، شکل‌گیری شخصیت‌هایی مقاوم و فداکار را به‌همراه آورده (ر.ک: امیری خراسانی و حسن‌پور، ۱۳۸۹)؛ قهرمانان مدیر مدرسه و سووشون نیز به‌دلیل مخالفت با جامعه تباه خود، به افرادی مسئله‌دار تبدیل شده‌اند (ر.ک: حسن‌زاده میرعلی و رضویان، ۱۳۹۰)؛ گرایش سیاسی آل‌احمد و نگاه انتقادی او به مشکلات فرهنگی جامعه ایران آن قدر بر خلق شخصیت‌های مدیر مدرسه اثر گذاشته که آنان را به سخن‌گویان نظرهای سیاسی و ایدئولوژیک نویسنده بدل کرده (ر.ک: پاینده، ۱۳۸۸)؛ واقعیت‌های اجتماعی - تاریخی دهه پنجاه نیز ساخت شخصیت‌هایی گرفتار در تقابل و تعارض و تضاد را به‌دنبال داشته است (ر.ک: سلیمی کوچی و سکوت جهرمی، ۱۳۹۴ ب)؛ شخصیت‌های امروزی داستان «اناربانو و پسرهایش» از گلی ترقی هم به‌دنبال یافتن مأوایی ناشناخته، برای آسودن از ملال و خستگی مهاجرت کرده‌اند، اما سرگردانی و بیگانگی نصیبشان شده و

به تنهایی و بی‌اعتنایی خو گرفته‌اند (ر.ک: سلیمی کوچی و سکوت جهرمی، ۱۳۹۴ الف). بی‌هویتی و سرگردانی انسان‌های عصر پسامدرن هم به‌صورت حضور شخصیت‌های دوجنسیتی، نامیدن شخصیت‌ها با حروف اختصاری یا نام‌های سمبلیک، توصیف نشدن خصوصیات فردی آن‌ها در رمان‌های پسامدرن جلوه‌گر شده است (ر.ک: شمیسا و تدینی، ۱۳۸۶).

شخصیت و جایگاه زنان از منظر اجتماعی نیز به‌طور جداگانه، در چهار مقاله بررسی شده است. بر اساس یافته‌های رجیبی و موسویان‌نژاد (۱۳۹۱)، جایگاه زنان رمان‌های سنگ صبور و میرامار، با وضعیت زنان و تابوهای ذهنی و فرهنگی جامعه ایران و مصر زمان نگارش این دو رمان همخوانی کامل دارد؛ نگاه تحقیرآمیز مردان به زنان، فرودست انگاشتن آنان و کنار گذاشته شدن زن از جامعه در این آثار نمودی آشکار دارد. اما نتایج مقاله‌های مقصودی (۱۳۸۳) و صادقی جعفری (۱۳۸۷) نشان می‌دهد با وجود تحولات اجتماعی ایران و دگرگونی جایگاه زنان در دهه‌های اخیر، نگرش نویسندگان کودک و نوجوان به نقش زنان و دختران تغییر نکرده است؛ همچنان مردان و پسران شخصیت‌های اصلی، پُر تکرار، قدرتمند و موفق داستان‌ها هستند و از زنان نیز چهره‌هایی منفعل و ناتوان ارائه شده است. این نگرش که از اثرناپذیری قالب‌های ذهنی از تغییرات اجتماعی حکایت دارد، نشان‌دهنده عمق فرهنگ مردسالار و چیرگی ارزش‌های مردسالارانه در ذهن نویسندگان و حتی خوانندگان است.

۳- ۶- ۳. رویکرد روان‌شناختی  
یافته‌های مقاله‌های این گروه نشان می‌دهد بیشتر شخصیت‌های داستان‌های بررسی شده دچار اختلال‌های شخصیتی و روان‌رنجوری هستند. عوامل مختلفی در ایجاد این اختلالات نقش دارند. رشد نامناسب عاطفی در کودکی، مشکلات خانوادگی، وجود حس‌های ناخوشایند (ترس، تحقیر، ایستایی و...)، فقر و وضعیت بد اقتصادی، آشفتگی محیط بیرونی، ناهنجاری‌های اجتماعی، خفقان و نابسامانی‌های سیاسی مؤثرترین عوامل اند.

روان‌گسیختگی و اختلالات روحی شخصیت‌ها به‌شکل‌های گوناگون در داستان‌ها نمود یافته است: شخصیت‌های داستانی ساعدی واکنش‌هایی عصبی و پرخاشگرانه



نشان می‌دهند (ر.ک: شاکری و بخشی، ۱۳۹۴)؛ راوی بوف کور به عشقی وسواسی و جنون‌آمیز مبتلا می‌شود (ر.ک: خلیلی تیلمی، ۱۳۸۴)؛ برخی شخصیت‌های اصغر الهی برای کاهش اضطراب و گریز از واقعیت، به اوهام پناه می‌برند و منزوی می‌شوند (ر.ک: بهنام‌فر و همکاران، ۱۳۹۲)؛ تعدادی دیگر از آن‌ها نیز برای جلب مهر و تأیید اطرافیان تلاش می‌کنند (ر.ک: بهنام‌فر و طلایی، ۱۳۹۳). همچنین روان‌پزشک بودن غلامحسین ساعدی و اصغر الهی در پرداخت شخصیت‌هایی با حالات روانی گوناگون و به‌تصویر کشیدن این حالات با شگردهایی نو (خودواگویی روانی) اثر داشته است. اشتفان تسوایگ نیز متأثر از آرای فروید، برای آشکار کردن اسرار عمیق روان آدم‌ها و رها شدن آنان از خاطرات آزاردهنده، از روش اعتراف و بازگویی بهره برده است (ر.ک: قدیمی، ۱۳۸۳).

### ۳ - ۷. بررسی مقاله‌ها از نظر زمانی

بر اساس نمونه‌های یافته‌شده، انتشار مقاله‌های علمی - پژوهشی با موضوع بررسی شخصیت و شیوه‌های پردازش آن از سال ۱۳۷۳ آغاز و به تدریج بر تعداد آن‌ها افزوده شده است:

جدول ۲. تعداد مقاله‌های منتشر شده به تفکیک سال انتشار

سال انتشار مقالات	تعداد مقاله‌های منتشر شده	سال انتشار مقالات	تعداد مقاله‌های منتشر شده
۱۳۷۳	۱	۱۳۸۸	۳
۱۳۷۹	۱	۱۳۸۹	۷
۱۳۸۱	۱	۱۳۹۰	۱۲
۱۳۸۳	۲	۱۳۹۱	۸
۱۳۸۴	۱	۱۳۹۲	۱۵
۱۳۸۵	۱	۱۳۹۳	۷
۱۳۸۶	۲	۱۳۹۴	۸
۱۳۸۷	۴		

بیشترین تعداد مقاله‌ها نخست در سال ۱۳۹۲ و سپس در سال ۱۳۹۰ منتشر شده‌اند؛ علاوه بر این، رشد تعداد مقالات از میانه‌های دهه هشتاد به بعد چه بسا نشان‌دهنده توجه بیشتر منتقدان و پژوهشگران به اهمیت عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی باشد. نگاهی به موضوعات و سال انتشار نمونه‌ها نیز نشان می‌دهد بیشتر مقالاتی که از نظریه‌ها بهره برده و موضوعاتی تازه را در کانون توجه قرار داده‌اند، از سال ۱۳۸۹ به این سو نگاشته شده‌اند.

### ۳-۸. بررسی مقاله‌ها از نظر منابع

حدود سی کتاب، دست‌کم، سه بار در مقالات تکرار شده است که از میان آن‌ها می‌توان به عناصر داستان از جمال میرصادقی (۲۹ بار)، دستور زبان داستان اثر احمد اخوت (نوزده بار)، هنر داستان‌نویسی از ابراهیم یونسی (نوزده بار)، صد سال داستان‌نویسی نوشته حسن میرعابدینی (شانزده بار)، قصه‌نویسی براهنی (یازده بار)، شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر اثر حمید عبداللهیان (ده بار)، جنبه‌های رمان اثر فورستر (هشت بار)، رمان به روایت رمان‌نویسان از میریام آلوت (هفت بار)، منشأ شخصیت در ادبیات داستانی نوشته شیرین دخت دقیقیان (شش بار)، خلق شخصیت‌های ماندگار از لیندا سیگر (شش بار)، شخصیت‌پردازی و زاویه دید در داستان اثر اورسون اسکات کارد (شش بار) و نظریه‌های شخصیت از دوان پی و سیدنی الن شولتز (شش بار) اشاره کرد؛ اما نکته شایان توجه این است که از برخی منابع پیش گفته، به اندازه نقل قول‌هایی کوتاه و پراکنده در متن استفاده شده و منابع اصلی و پایه‌ای نیستند. بسیاری از نقل قول‌ها در برخی از این مقاله‌ها بی‌هیچ ضرورتی در مقاله جاسازی شده‌اند. این گفتاوردها از بدیهیاتی هستند که بارها تکرار شده‌اند، بی‌آنکه هیچ اطلاعات مفید و تازه‌ای به مخاطب بدهند؛ گویی بیشتر پژوهشگران برای طولانی‌تر کردن فهرست منابع و جلب رضایت برخی داوران مجلات، به منابع نظری مشهور ارجاع داده‌اند و این در حالی است که کاربرد این منابع در دستیابی به نتایج علمی و خدشه‌ناپذیر راه‌گشا نبوده است. عناصر داستان (در هفت مقاله)، دستور زبان داستان (در چهار مقاله)، شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر (در سه مقاله)،

روایت داستانی: بوطیقای معاصر (در دو مقاله)، نظریه‌های شخصیت (در دو مقاله)، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان (در دو مقاله) اثر یحیی مدرسی و کتاب‌های تضادهای درونی ما، عصبیت و رشد آدمی و شخصیت عصبی زمانه ما (در سه مقاله) از کارن هورنای، برخی از آثاری هستند که منابع اصلی و پایه‌ای شماری از مقالات بوده‌اند.

#### ۴. نتیجه

همان گونه که پیش از این گفته شد، ارزیابی کیفی و شناسایی ضعف‌ها و قوت‌های کارنامه یک موضوع پژوهشی خاص می‌تواند از شکل‌گیری مقاله‌های همگون و تکراری جلوگیری کند و بر پویایی و رشد حوزه‌های علمی بیفزاید. اهمیت فراوان عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در موفقیت و جذابیت آثار داستانی، توجه برخی از پژوهشگران و منتقدان را جلب کرده و نگارش مقالاتی را به دنبال داشته است؛ از این رو نگارندگان مقاله حاضر ۷۳ مقاله علمی - پژوهشی را که در پیوند با موضوع «شخصیت و شخصیت‌پردازی» در ادبیات داستانی معاصر نگاشته شده است، ارزیابی و بررسی کردند.

بررسی موضوعات مقاله‌ها نشان می‌دهد در ۴۲ مقاله از این مقالات ویژگی‌های شخصیت‌ها و شیوه‌های شخصیت‌پردازی، در ۱۴ مقاله چگونگی اثرگذاری جامعه و رویدادهای اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت‌های داستانی، در ۱۰ مقاله ویژگی‌های روان‌کاوانه شخصیت‌های داستانی، در ۷ مقاله پیوند شخصیت‌پردازی با عناصر دیگر داستان و در ۵ مقاله کنش شخصیت‌ها بررسی شده است. این آمار از کاربرد فراوان رویکرد زیبایی‌شناختی در بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی حکایت دارد.

ایستایی و سادگی بیشتر شخصیت‌ها، توجه زیادتر نویسندگان به خصوصیات اخلاقی و باطنی شخصیت‌ها، کاربرد بیشتر روش مستقیم (توصیف مستقیم و گزارشی) برای شخصیت‌پردازی، اهمیت فراوان گفت‌وگو و نام‌ها در شخصیت‌پردازی نمایشی، ارتباط عنصر شخصیت با زبان، زاویه دید، زمان و مکان، سبک و درون‌مایه نکاتی است که از واکاوی یافته‌های مقاله‌هایی که با رویکرد زیبایی‌شناختی نگاشته شده‌اند، دریافت می‌شود.

همچنین تکرار برخی موضوعات مانند بررسی شخصیت‌ها از نظر نوع و منشأ و چگونگی پردازش آن‌ها بر اساس شیوه معمول، واکاوی شخصیت و شخصیت‌پردازی زنان و تحلیل نقش شخصیت‌ها بر مبنای الگوی کنشگر گرماس، آن‌ها را به سمت کلیشه‌ای شدن سوق داده است. توجه فراوان به مباحث پیش گفته سبب شده پژوهشگران از موضوعات گوناگون دیگر مانند پیوند میان شخصیت و چگونگی پردازش آن با عناصر دیگر داستان، بررسی ویژگی‌های مؤثر در خلق شخصیت‌های ماندگار غافل بمانند و از تنوع و تازگی پژوهش آن‌ها کاسته شود. افزون بر این، می‌توان امید داشت به دنبال طرح مباحث تازه، از نظریه‌ها و منابع روزآمد نیز استفاده شود.

بررسی شخصیت‌های داستانی با رویکرد جامعه‌شناختی، ارتباط تنگاتنگ میان وضعیت جامعه و شخصیت‌ها را نشان می‌دهد. اختلال‌های شخصیتی، عقده‌های روانی و روان‌رنجوری بیشتر شخصیت‌های داستانی نیز از یافته‌های مقاله‌هایی است که داستان‌ها را از منظر روان‌شناسانه بررسی کرده‌اند. رشد نامناسب عاطفی در کودکی، مشکلات خانوادگی، وجود حس‌های ناخوشایند، فقر، ناهنجاری‌های اجتماعی، خفقان و نابسامانی‌های سیاسی از مؤثرترین عوامل ایجاد اختلالات شخصیتی در نمونه‌های بررسی شده هستند.

همچنین با وجود اهمیت عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی در آثار داستانی کودک و نوجوان، مقاله‌های اندک و انگشت‌شمار به بررسی این عنصر در حوزه داستان کودک و نوجوان پرداخته‌اند؛ در حالی که اثرگذاری فراوان شخصیت‌های داستانی بر مخاطبان این گروه‌های سنی، نگارش پژوهش‌های بیشتر را در این باره طلب می‌کند. علی‌رغم تعداد چشمگیر پژوهش‌های صورت گرفته در پیوند با شخصیت و شخصیت‌پردازی، تعداد اندکی از آن‌ها روشمند، تازه و کاربردی‌اند. ساده‌انگاری موضوع شخصیت و شخصیت‌پردازی، کلیشه‌ای شدن آن، تعداد انگشت‌شمار رویکردهای تازه و نظریه‌های نو در پیوند با این موضوع و نگارش مقاله‌های همانند، این آسیب را به دنبال داشته است که پرداختن به چنین مباحثی در نگاه نخست کم‌ارزش انگاشته شود. دریافت ناقص برخی از نظریه‌های جدید و نیز ناهمخوانی

برخی از آن‌ها با تحلیل برخی داستان‌ها از آسیب‌های فراگیر این گونه مقالات است. این در حالی است که متخصصان و علاقه‌مندان به این حوزه پژوهشی می‌توانند با دریافت شایسته و بررسی انتقادی نظریه‌های مرتبط، بازنگری منابع پیشین، شناخت نیازهای موجود، تحلیل متن‌ها و استخراج ویژگی‌های شخصیت‌های داستانی به الگویی جامع، کاربردی و به‌روزتر دست یابند.

در پایان، برای مطالعات و پژوهش‌های آینده چند نکته یادآوری می‌شود: نخست اینکه بررسی انتقادی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مربوط به بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در ادبیات داستانی معاصر می‌تواند چشم‌اندازی روشن از پژوهش‌های این حوزه در اختیار پژوهشگران بعدی قرار دهد تا آنان با دور شدن از موضوعات کلیشه‌ای، از رکود و ایستایی این موضوع پیشگیری کنند و پژوهش‌هایی نوآورانه و کاربردی بنگارند. بهره‌مندی از نظریات مناسب و روزآمد و استفاده از برخی روش‌های میدانی (پرسش‌نامه، مصاحبه، سنجش و آزمایش) عوامل مهم دیگری هستند که به تحلیل عمیق‌تر داستان‌ها و در نتیجه تازگی یافته‌ها یاری می‌رسانند. دیگر اینکه پشتوانه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی و فرهنگی ادبیات داستانی آن را به پدیده‌ای گسترده، ژرف و چندبعدی تبدیل کرده است؛ بر این اساس، همکاری پژوهشگران ادبی با متخصصان علوم گوناگون می‌تواند امکان بررسی همه‌جانبه آثار داستانی را بنا بر روش و ضوابط مطالعات میان‌رشته‌ای یا چندرشته‌ای فراهم کند. چنین مطالعه جامع و چندتباری افزون بر اینکه چشم‌اندازی دقیق و اعتمادکردنی را از ادبیات داستانی معاصر پیش روی مخاطبان قرار می‌دهد، چه بسا بتواند به خلق الگوی نظری بومی نیز بینجامد.

#### فهرست مقالات بررسی شده

۱. ابراهیمی، سیدرضا (۱۳۸۹). «مقایسه تطبیقی شخصیت‌پردازی و درون‌مایه در دو رمان جای خالی سلوچ و خوشه‌های خشم». *زبان و ادب فارسی*. ش ۳. صص ۱-۱۷.

۲. احمدزاده بیانی، بهروز و زهرا شوری (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی شخصیت‌های داستان‌های کانتربری در متن جامعه قرن چهاردهم انگلستان». *مطالعات زیان و ترجمه*. س ۴۲. ش ۳. صص ۱۴۷-۱۶۹.
۳. احمدی چناری، علی اکبر (۱۳۹۴). «شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه مجموعه العواصف جبران خلیل جبران». *زیان و ادبیات عربی*. ش ۱۲. صص ۱-۲۹.
۴. اردلانی، شمس‌الحاجیه (۱۳۹۱). «شخصیت‌پردازی در رمان زمین سوخته». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. س ۲. ش ۷. صص ۳۱-۵۶.
۵. اسداله‌زاده گودرزی، بیتا و ابراهیم ابراهیم تبار (۱۳۹۲). «شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان ملکوت». *مطالعات نقد ادبی*. ش ۳۱. صص ۱۱۹-۱۴۴.
۶. اظهري، محبوبه و سهیلا صلاحی مقدم (۱۳۹۱). «تحلیل روان‌کاوانه شخصیت‌های رمان سمفونی مردگان بر اساس آموزه‌های زیگموند فروید و شاگردانش». *ادبیات پارسی معاصر*. ۲. ش ۲. صص ۱-۱۷.
۷. اکرمی، میرجلیل و محمد پاشایی (۱۳۹۲). «تأملی در پی‌رنگ و شخصیت‌پردازی تهران مخوف». *فنون ادبی*. د ۵. ش ۲. صص ۱-۲۰.
۸. امیری خراسانی، احمد و عسکر حسن‌پور (۱۳۸۹). «مؤلفه‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های رمان‌های دفاع مقدس». *ادبیات پایداری*. ۱. ش ۲. صص ۳۱-۴۴.
۹. ایرانی، محمد و شیرین سنجابی (۱۳۹۲). «شیوه‌ها و شگردهای شخصیت‌پردازی در کتاب د/ا». *ادبیات پایداری*. ش ۹. صص ۲۷-۵۳.
۱۰. \_\_\_\_\_ و همکاران (۱۳۹۲). «شیوه شخصیت‌پردازی دوجهی در پیکر فرهاد عباس معروفی». *ادبیات پارسی معاصر*. ش ۴ (پیاپی ۸). صص ۱-۱۸.
۱۱. آتش‌سودا، محمدعلی و امید حریری جهرمی (۱۳۸۹). «شخصیت‌پردازی در رمان همسایه‌ها». *پژوهش‌های ادبی و سبک‌شناسی*. ش ۱. صص ۹-۲۸.
۱۲. بهنام‌فر، محمد و همکاران (۱۳۹۲). «نقد روان‌شناختی دیگر سیاوشی نمانده بر مبنای نظریه کارن هورنای». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. س ۱۸. ش ۲. صص ۲۳-۴۲.
۱۳. \_\_\_\_\_ و زینب طلایی (۱۳۹۳). «نقد روان‌شناختی شخصیت در رمان سالمرگی بر مبنای نظریه کارن هورنای». *متن‌پژوهی ادبی*. س ۱۸. ش ۶۲. صص ۱۷۵-۱۹۳.
۱۴. پارسا، سیداحمد و سعدی حاجی (۱۳۹۲). «رابطه کارکردهای زبانی با تیپ‌های شخصیتی در داستان "نون و القلم"». *فنون ادبی*. س ۵. ش ۲. صص ۲۱-۳۴.

۱۵. پاینده، حسین (۱۳۸۸). «رمان رئالیستی یا سند اجتماعی؟؛ نگاهی به مدیر مدرسه جلال آل احمد». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. س ۱. ش ۲. صص ۶۹-۹۸.
۱۶. پشت‌دار، علی محمد و کیومرث گروسی (۱۳۹۲). «رابطه کارکردهای زبانی با تیپ‌های شخصیتی داستان‌های محمدعلی جمالزاده». *ادبیات پارسی معاصر*. د ۳. ش ۱. صص ۵۵-۷۶.
۱۷. پورشهرام، سوسن (۱۳۸۹). «خوانشی ساختارگرایانه از داستان 'کلاغ'های نادر ابراهیمی». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۱. ش ۲. صص ۱-۲۶.
۱۸. حاجی‌زاده، مهین و محدثه ابهن (۱۳۹۲). «تحلیل ساختاری شخصیت‌های رمان بیروت ۱۷۵ غادةالسمان بر اساس نظریه کنشی گرماس». *نقد ادب معاصر عربی*. د ۳. ش ۵. صص ۵۵-۸۰.
۱۹. حبیبی، علی اصغر (۱۳۹۳). «واکاوی شخصیت زنان در داستان‌های دو مجموعه لیتینی کنت أعلم و الخاله الضائعه اثر بنت‌الهدی صدر». *لسان مبین*. س ۵. ش ۱۶. صص ۵۴-۷۵.
۲۰. حسن‌پور، عسکر (۱۳۸۹). «نبود نقش فرستنده از نقش‌های الگوی کنشی گرماس در چهار رمان دفاع مقدس». *ادبیات پایداری*. س ۲. ش ۳ و ۴. صص ۱۴۷-۱۶۶.
۲۱. حسن‌زاده میرعلی، علی و سیدرازق رضویان (۱۳۹۰). «فهرمان مسئله‌دار در رمان‌های مدیر مدرسه و سوشون». *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*. د ۵. ش ۱. صص ۱۲۵-۱۴۶.
۲۲. حسینی سروری، نجمه (۱۳۹۲). «بحران هویت شخصیت‌ها در رمان *ویران می‌آیی*؛ تحلیل روایی و گفتمانی متن». *جستارهای ادبی*. د ۴۶. ش ۲. صص ۹۳-۱۲۰.
۲۳. حیدری جامع‌بزرگی، فهیمه و همکاران (۱۳۹۰). «تحلیل عوامل کنشی در رمان *سوشون* بر مبنای الگوی کنشگران گرماس». *نقد زبان و ادبیات خارجی*. س ۳. ش ۶.
۲۴. حیدری، فاطمه و فرناز وفایی دیزجی (۱۳۹۲). «شیوه‌های شخصیت‌پردازی در رمان *کلیدر*». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. ش ۱۴. صص ۹۵-۱۲۸.
۲۵. خضری، علی و همکاران (۱۳۹۴). «شخصیت‌پردازی در رمان *الشحاذ نجیب محفوظ*». *لسان مبین*. س ۷. ش ۲۲. صص ۲۳ تا ۴۳.
۲۶. خلیلی تلمی، فهیمه (۱۳۸۴). «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های بوف کور». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۲۵. صص ۶۳-۸۰.

۲۷. خواجه پور، فریده و ذوالفقار علامی (۱۳۹۲). «شخصیت و شخصیت‌پردازی در رمان نخل‌ها و آدم‌ها». فنون ادبی. د. ۵. ش. ۲. صص ۱۰۹-۱۲۲.
۲۸. دیباج، مریم (۱۳۹۱). «شخصیت‌پردازی در داستان‌های زولا؛ مطالعه موردی سهم سگان شکاری، شاهکار و قلب پاریس». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. س. ۳. ش. ۹. صص ۸۵-۱۰۸.
۲۹. رادمنش، شهرزاد (۱۳۹۴). «بررسی عناصر شخصیت و حادثه در داستان اولدوز و عروسک سخن‌گو». مطالعات ادبیات کودک. د. ۶. ش. ۲. صص ۴۷-۷۲.
۳۰. رجبی، فرهاد و خسرو موسویان‌نژاد (۱۳۹۱). «تحلیل شخصیت زن در دو رمان سنگ صبور و میرامار با تکیه بر شخصیت گوهر و زهره». نقد ادب عربی ش. ۴. صص ۸۱-۱۰۴.
۳۱. رودبار محمدی، سمانه و شهلا حائری (۱۳۹۳). «شخصیت‌پردازی زنان در سه داستان کوتاه از اریک امانوئل اشمیت». پژوهش ادبیات معاصر جهان. س. ۱۹. ش. ۲. صص ۱۵۵-۱۷۲.
۳۲. سرامی، قدمعلی و محمدحسن مقیسه (۱۳۹۲). «پژوهشی در شخصیت‌های داستان مدیر مدرسه اثر جلال آل‌احمد». فنون ادبی. ش. ۸. صص ۱-۱۸.
۳۳. سلطان بیاد، مریم و محسن حنیف (۱۳۹۰). «مقایسه شخصیت‌های قصه‌های عامیانه ایرانی و داستان‌های هانس کریستین آندرسن». پژوهش ادبیات معاصر جهان. س. ۱۶. ش. ۴. صص ۵-۲۰.
۳۴. سلیمی کوچی، ابراهیم (۱۳۹۰). «تناظر شخصیت‌پردازی و همسانی درون‌مایه و پی‌رنگ در روی ماه خداوند را بیوس و ژان باروا؛ مطالعه تطبیقی». جستارهای زبانی. د. ۲. ش. ۳ (۷). صص ۱۲۷-۱۴۴.
۳۵. \_\_\_\_\_ و فاطمه سکوت جهرمی (۱۳۹۴ الف). «بررسی شخصیت‌های داستان اُناربانو و پسرهایش، از منظر تن بیگانه». کریستوا. ادب پژوهی. د. ۹. ش. ۳۱. صص ۱۱۷-۱۳۵.
۳۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ ب). «واکاوی ستیز و تعارض شخصیت‌های جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی». پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. د. ۵. ش. ۲۰. صص ۱۱۱-۱۲۵.



۳۷. شاکری، جلیل و بهناز بخشی (۱۳۹۴). «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های سه داستان گدا، خاکسترنشین‌ها و آشغال‌دونی غلامحسین ساعدی بر مبنای نظریه کارن هورنای». *متن‌پژوهی ادبی*. د ۱۹. ش ۶۳. صص ۵۵-۸۸.
۳۸. شفاعتی، ثریا و محمدعلی گذشتی (۱۳۹۱). «معصوم‌ها چگونه شخصیت‌پردازی شده‌اند؟؛ تحلیل شخصیت‌پردازی دو داستان از هوشنگ گلشیری». *زیبایی‌شناسی ادبی*. س ۴. ش ۱۳. صص ۱۲۳-۱۴۲.
۳۹. شکروی، شادمان و مسعود نوروزیان (۱۳۸۷). «تطبیق شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه ایرانی و خارجی». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. د ۲. ش ۸. صص ۹۵-۱۲۳.
۴۰. شمیسا، سیروس و منصوره تدینی (۱۳۸۶). «شخصیت‌های رمان پسامدرن، جوشش اصالت وجود». *متن‌پژوهی ادبی*. ش ۳۴. صص ۶۸-۸۴.
۴۱. صادقی جعفری، جواد (۱۳۸۷). «بررسی سیمای زن در ادبیات کودکان با تأکید بر تغییرات سیاسی اجتماعی». *مطالعات زنان*. ش ۱. صص ۷۱-۹۰.
۴۲. عبدی، صلاح‌الدین و شهلا زمانی (۱۳۹۰). «شخصیت‌پردازی زن در ادبیات داستانی نجیب کیلانی؛ بررسی موردی سه رمان *لیالی ترکستان* و *عذرا جاکرتا* و *عمالقه الشمال*». *زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*. د ۲. ش ۳. صص ۹۷-۱۱۶.
۴۳. عزتی، الناز و فاطمه مدرسی (۱۳۹۳). «پایان‌ناپذیری شخصیت در داستان پایانی سیمین دانشور». *کاوش‌نامه*. س ۱۵. ش ۲۸. صص ۱۶۵-۱۸۶.
۴۴. علوی مقدم، مهیار و سوسن پورشهرام (۱۳۸۷). «کاربرد الگوی کنشگر گرماس در نقد و تحلیل شخصیت‌های داستانی نادر ابراهیمی». *پژوهش‌های ادب عرفانی*. ش ۸. صص ۹۵-۱۱۶.
۴۵. علوی، فریده (۱۳۷۹). «شخصیت داستانی رمانتیک و بحران هویت». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. ش ۹. صص ۷۷-۸۶.
۴۶. علی‌زاده، ناصر و طاهره نظری انامق (۱۳۹۰). «نقد شخصیت در آثار داستانی صادق هدایت». *زبان و ادب فارسی*. ش ۲۲۳. صص ۱۵۱-۱۹۰.
۴۷. فرضی، حمیدرضا و فرزانه خسروحسینی (۱۳۹۰). «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های برجسته رمان *خانه ادیسی‌ها*». *بهارستان سخن*. س ۷. ش ۱۸. صص ۲۵۵-۲۸۶.

۴۸. قادری، فاطمه و زینت زارع بیدکی (۱۳۹۲). «شخصیت‌پردازی در داستان‌های کودک زکریا تامر؛ مطالعه موردی لماذا سکت النهر؟ و قالت الوردہ للسنونو». *نقد ادب معاصر عربی*. ۳۵. ش ۵. صص ۱۳۳-۱۵۰.
۴۹. قاسمی، ملیحه و یدالله جلالی پندری (۱۳۹۴). «بررسی تیپ شخصیتی شخصیت‌های رمان شوهر آهوخانم». *ادبیات پارسی معاصر*. ۵. ش ۱. صص ۸۵-۱۲۴.
۵۰. قدیمی، نوران مهر (۱۳۸۳). «توصیف شخصیت‌ها در داستان‌های اشتفان تسوایگ». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۲۲. صص ۷۳-۸۲.
۵۱. قوام، ابوالقاسم و مینا بهنام (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی شخصیت‌های قلعه حیوانات جورج اورول و باب شیر و گاو، کلیله و دمنه». *ادبیات تطبیقی*. س ۳. ش ۵. صص ۲۲۵-۲۳۷.
۵۲. کریمی مطهر، جان‌اله (۱۳۸۱). «پژوهشی در شخصیت‌پردازی، شیوه و نوع توصیف موضوعات در ادبیات روسیه؛ بررسی موردی داستان‌های آنتوان چخوف در مقایسه با آثار نیکلای گوگول، فئودور داستایفسکی و لئو تولستوی». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۱۲. صص ۱۴۷-۱۵۶.
۵۳. کریمی، محمد و عسکر بابازاده اقدم (۱۳۹۱). «بررسی شخصیت‌پردازی زن و خصوصیات اجتماعی وی در رمان‌های تاریخی جرجی زیدان». *نقد ادب معاصر عربی*. ش ۳. صص ۱۴۱-۱۶۰.
۵۴. کهدویی، محمدکاظم و مرضیه شیروانی (۱۳۸۸). «شخصیت‌پردازی قهرمان زن در رمان‌های شوهر آهوخانم نوشته علی محمد افغانی و سووشون نوشته سیمین دانشور». *نامه پارسی*. ش ۴۸ و ۴۹. صص ۷۱-۸۶.
۵۵. گودرزی‌نژاد، آسیه (۱۳۸۸). «شخصیت‌پردازی در رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم اثر زویا پیرزاد». *بهارستان سخن*. ۵۵. ش ۱۴. صص ۱۵۵-۱۷۲.
۵۶. لطفی‌نیا، طاهره (۱۳۸۵). «مرگ شخصیت در رمان نو». *زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. ۳۹. ش ۴. صص ۱۳۳-۱۴۳.
۵۷. محرمی، رامین و همکاران (۱۳۹۰). «تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های داستانی هوشنگ مرادی بر اساس نظریه اریکسون». *ادب پژوهی*. ش ۱۵. صص ۱۲۱-۱۴۰.
۵۸. محمدی، ابراهیم و پریسا طلاپور (۱۳۹۱). «نمایش شخصیت‌ها (شخصیت‌پردازی نمایشی) در سووشون». *متن‌پژوهی ادبی*. ش ۵۱. صص ۳۳-۵۲.

۵۹. مصفا، مظاهر و همکاران (۱۳۹۰). «دانش آکل و شخصیت‌های محوری داستان‌های همینگوی». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. ش ۱۹. صص ۱۴۹-۱۶۴.
۶۰. مقصودی، سوده (۱۳۸۳). «بررسی نقش زن در داستان‌های کودکان». *پژوهش زنان*. ۲. ش ۳. صص ۴۱-۵۵.
۶۱. ملاابراهیمی، عزت و فهیمه یگانه دیزج‌ور (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل شخصیت زن در رمان‌های نجیب کیلانی؛ مطالعه موردی رمان‌های *الطریق الطویل*، *قاتل حمزه*، *الرجل الذی آمن*». *زن در فرهنگ و هنر*. ش ۲۱. صص ۵۱۷-۵۳۰.
۶۲. میرزایی، فرامرز و همکاران (۱۳۹۴). «شخصیت‌آفرینی در ادبیات داستانی کودک؛ بررسی مجموعه قصص *عن ثعلب* اثر زهیر ابراهیم رسام». *نقد ادب معاصر عربی*. س ۵. ش ۹. صص ۳۳-۴۹.
۶۳. میرفندرسکی، ملک‌مهدی (۱۳۷۳). «شیوه شخصیت‌پردازی در کتاب *در جست‌وجوی زمان گمشده* اثر مارسل پروست». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۱. صص ۱۲۳-۱۲۸.
۶۴. ناظمیان، رضا و سمیه‌السادات طباطبایی (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی شخصیت اصلی و شخصیت‌پردازی آن در داستان *حادثه شرف* یوسف ادریس و *سنگ‌های شیطنی* منیرو روانی‌پور». *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*. ش ۷. صص ۱۳۱-۱۵۰.
۶۵. نصر اصفهانی، محمدرضا و میلاد شمعی (۱۳۸۶). «تحلیل عنصر شخصیت در رمان *جای خالی سلوچ* اثر محمود دولت‌آبادی». *پژوهش‌نامه ادب غنایی*. ۵. ش ۹. صص ۱۵۳-۱۶۷.
۶۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). «مقایسه تحلیلی درون‌مایه و شخصیت در رمان *سرگیوس پیر* و روایت *ابراهیم ادهم*». *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*. ۲. ش ۱. صص ۱۸۹-۲۱۰.
۶۷. \_\_\_\_\_ و طبیه جعفری (۱۳۸۹). «مقایسه شیوه پردازش شخصیت در *گاو ساعدی* و *مسخ کافکا*». *زبان و ادب فارسی*. ش ۲۱۵. صص ۱۳۳-۱۵۶.
۶۸. نورایی، الیاس و فضل‌اله خدادادی (۱۳۹۳). «پژوهشی بر رابطه‌ی راوی با روایت‌شنو و رویدادها و شخصیت‌ها در ادبیات داستانی». *نقد ادبی و بلاغت*. ۳. ش ۲. صص ۳۷-۵۵.
۶۹. نوروزی، زینب و همکاران (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی شخصیت در رمان *بادبادک‌باز*». *متن‌پژوهی ادبی*. ش ۶۰. صص ۱۴۵-۱۷۳.

۷۰. نیری، محمدیوسف و پروین مرتضایی (۱۳۹۲). «شخصیت‌سازی و شخصیت‌پردازی در آثار اقتباسی از مثنوی مولوی برای کودکان و نوجوانان». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۴. ش ۱. صص ۱۳۸-۱۵۹.
۷۱. هاشمیان، لیلا و رضوان صفایی صابر (۱۳۸۹). «شخصیت‌پردازی در شش داستان کوتاه از هوشنگ گلشیری». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. ش ۲. صص ۱۶۹-۱۹۱.
۷۲. یحیی‌پور، مرضیه و یلدا بیدختی‌نژاد (۱۳۹۳). «بررسی تیپ شخصیتی 'پابره‌نه' در داستان‌های ماکسیم گورکی». *نقد ادبی و بلاغت*. د ۳. ش ۱. صص ۱-۱۶.
۷۳. یوزباشی، مریم و حسین بهزادی اندوهجردی (۱۳۹۰). «شخصیت‌پردازی زنان در سه رمان جنگ ایران». *مطالعات نقد ادبی*. ش ۲۴ و ۲۵. صص ۱۱-۳۳.

## پی‌نوشت‌ها

1. www.sid.ir
2. www.magiran.com
3. www.noormags.ir
4. ww.ensani.ir
5. www.irandoc.ac.ir
6. www.elmnet.ir
۷. دسترسی به متن مقاله لطفی‌نیا (۱۳۸۵) به هیچ وجه امکان‌پذیر نبوده است.
8. positivism
9. post positivism
10. problematic
11. Loucach
12. Goldman

## منابع

- آقانوری، نعیمه (۱۳۹۵). «مغالطه‌ها، مصادره‌ها و چالش‌های کاذب: موانع اصلی در پژوهش‌های حوزه ادبیات پایداری». *نقد ادبی*. س ۹. ش ۳۶. صص ۷-۳۹.
- امن‌خانی، عیسی (۱۳۹۵). «نگاهی انتقادی به پژوهش‌های شالوده‌شکنانه در ایران». *نقد ادبی*. س ۹. ش ۳۴. صص ۶۳-۹۰.
- بیات، حسین (۱۳۹۴). «خطاهای رایج در شناخت شیوه جریان سیال ذهن». *نقد ادبی*. س ۸. ش ۳۰. صص ۲۰۹-۲۳۳.

- حسن‌لی، کاووس (۱۳۷۷). *سعدی پژوهی در سده چهارده هجری؛ بررسی انتقادی رویکردهای سده چهارده به سعدی و آثار او*. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *فرهنگ سعدی پژوهی*. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی و مرکز سعدی‌شناسی.
- \_\_\_\_\_ و سعید حسام‌پور (۱۳۸۸). «کارنامه خیام پژوهی در سده چهاردهم». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۴. صص ۹۹ - ۱۲۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *کارنامه تحلیلی خیام پژوهی در ایران (۱۳۰۰ - ۱۳۸۰)*. تهران: نشر علم.
- حیاتی، زهرا و همکاران (۱۳۹۳). «مقایسه مطالعات سبک‌شناسی و نقد ادبی در ایران؛ با تأکید بر دو مجله علمی - پژوهشی *نقد ادبی و بهار ادب* در سال ۱۳۸۹». *نقد ادبی*. ش ۷. صص ۲۵ - ۳۹.
- خافی، مرضیه (۱۳۹۱). *مقاله‌شناسی توصیفی انتقادی فردوسی و شاهنامه از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰*. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضوانیان، قدسیه و هاله کیانی بارفروشی (۱۳۹۶). «ارزیابی انتقادی مقالات ادبی دانشگاهی از دیدگاه هژمونی ایدئولوژیک و روش‌شناسی». *نقد ادبی*. ش ۱۰. صص ۵۹ - ۸۸.
- رضوی، عبدالحمید و حسین مسنن فارسی (۱۳۸۹). «وضعیت استناد در پژوهشنامه و کتاب *ماه کودک و نوجوان*». *مطالعات ادبیات کودک*. ش ۱. صص ۷۱ - ۱۰۰.
- رضی، احمد (۱۳۸۶). «روش در تحقیقات ادبی ایران». *گوهر گویا*. ش ۱. صص ۱۲۹ - ۱۴۱.
- سیدیزدی، زهرا (۱۳۸۷). *مقاله‌شناسی توصیفی انتقادی فردوسی و شاهنامه بر اساس فهرست مقالات ایرج افشار تا پایان دفتر پنجم (۱۳۷۰)*. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- شکردست، فاطمه و همکاران (۱۳۹۳). «رویکردی در تحلیل و نقد رمان‌های انقلاب اسلامی با تأکید بر نقد رمان‌های رضا امیرخانی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۳۳. صص ۱۸۳ - ۲۱۲.
- قاسمیان، خسرو (۱۳۸۹). «بررسی کارنامه مثنوی پژوهی در ایران». *پژوهش‌نامه ادب حماسی*. ش ۶. صص ۴۷۲ - ۴۹۰.

- محمدی کله‌سر، علیرضا (۱۳۹۲). «گزینش متن و روش‌شناسی مطالعات ادبی». *نقد ادبی*. س ۶. ش ۲۳. صص ۳۷ - ۵۸.
- مراونه، نعیم (۱۳۹۱). *کتاب‌شناسی توصیفی و انتقادی مقالات خاقانی‌شناسی*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مروتی، مرضیه و سعید حسام‌پور (۱۳۹۴). «تحلیل استنادی مقالات فصلنامه علمی پژوهشی *نقد ادبی* (شماره‌های ۱ - ۲۸)». *نقد ادبی*. س ۸. ش ۳۲. صص ۱۵۵ - ۱۷۰.
- مکتبی فرد، لیلا و یزدان منصوریان (۱۳۹۱). «تبارشناسی پژوهش‌های ادبیات کودکان از منظر روش‌شناختی». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۳. ش ۱. صص ۱۳۷ - ۱۵۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). «خواهران غریب یا قریب؟ تحلیل محتوا و نقد ادبی در ادبیات کودکان». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۵. ش ۱. صص ۱۳۵ - ۱۵۶.
- معینی، فرزانه (۱۳۸۷). *بررسی انتقادی کارنامه ده‌ساله سعدی پژوهی* (۱۳۷۵ - ۱۳۸۵). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- مهرکی، ایرج (۱۳۸۶). «درآمدی بر نیماپژوهی و کتاب‌شناسی نیما». *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*. ش ۵. صص ۱۴۹ - ۱۶۶.
- میرزابابازاده فومشی، بهنام و آدینه خجسته‌پور (۱۳۹۲). «ابهام‌زدایی از نقد نوپای تاریخ‌گرایی نو در ایران با نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده». *نقد ادبی*. س ۶. ش ۲۲. صص ۷ - ۲۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). «نقدی بر مجموعه مقالات دومین همایش نیماشناسی دانشگاه مازندران». *نقد ادبی*. س ۶. ش ۲۳. صص ۱۹۱ - ۱۹۸.
- نوروزی، زینب (۱۳۸۵). *بررسی تحلیلی توصیفی مقالات فارسی مربوط به نظامی در ایران (۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰)*. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- نیکوبخت، ناصر و سیدعلی سراج (۱۳۹۳). «خاقانی‌پژوهی؛ معرفی و نقد پژوهش‌های انجام‌گرفته درباره خاقانی از آغاز تا امروز». *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*. ۱۸. ش ۳۵. صص ۷۴ - ۹۳.
- Amn khāni, I. (2016). "Negāhi Enteqādi be Pazhuhesh-hāye Shālude Shekanāne dar Iran". *Naqd-e Adabi*. No. 34. pp. 63 - 90. [in Persian]
- Aqānuri, N. (2016). "Moqālete-hā, Mosādere-hā va Chālesh-haye Kāzeb: Mavāne'-e Asli dar Pazhuhesh-haye Adabiāt-e Pāydāri". *Naqd-e Adabi*. No. 36. pp. 7 - 39. [in Persian]

- Bayāt, H. (2015). "Khatā-hāye Rāyej dar Shenākht-e Shive-ye Jaryān-e Sayāl-e Zehn". *Naqd-e Adabi*. No. 30. pp. 209 - 233. [in Persian]
- Hassanli, K. (1998). *Sa'di Pazhuhi dar Sade-ee Chhhhhhhh-e Hejri: Barrasi-hh eeeeeiii -ye Ruykard-eeee eeee-ee C " ii rrrr -e ou*. Resāle-ye Doktori-ye Zabān va Adabiāt-e Farsi, Dāneshgah-e Shirāz. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2001). *Farhang-e Sa'di Pazhuhi*. Shirāz: Bonyād-e Fārs Shenāsi va Markaz-e Sa'di Shenāsi. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ va Hessāmpour, S. (2009). "Kārname-ye Khayyām Pazhuhi dar Sade-ye Chahārdahom". *Pazhuhesh-e Farsi*. No. 14. pp. 99 - 126. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2010). *t āāāāme-ye Tahlili-ee Kyyyyymm Pazhuhi dar I(((( ( -2001)*. Tehrān: Elm. [in Persian]
- Hayāti, Z. et al. (2014). "Moqāyese-ye Motāleā't-e Sabk Shenāsi va Naqd-e Adabi dar Irān: ba Ta'kid bar Do Majalle-ye Elmi Pazhuheshi-ye *Naqd-e Adabi* va rrrrr -e Adab dar Sal-e 2010". *Naqd-e Adabi*. No. 25. pp. 7 - 39. [in Persian]
- Khāfi, M. (2012). *Mlll ssssss s-ee iiii fi eeeeeiii -ye Ferdowsi va mmmmmmmllh*. Resāle-ye Doktori-ye Zabān va Adabiāt-e Farsi, Dāneshgah-e Mashhad. [in Persian]
- Maktabi Fard, L va Mansuriyān, Y. (2012). "Tabār Shenāsi-ye Pazhuhesh-hāye Adabiāt-e Kudakān az Manzar-e Ravesh Shenākhti". *Mtt ll " tt -e tttttt -e Kudak*, No. 5, pp. 137-152. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ (2014). "Khāharān-e Qarib ya Qarib? Tahlil-e Mohtavā va Naqd-e Adabi dar Adabiyāt-e Kudakan". *Mtt ll " tt -e tttttt -e Kudak*. No. 9. pp. 135 - 156. [in Persian]
- Mehraki, I. (2007). "Darāmadi bar Nimā Pazhuhi va Ketābshenāsi-ye Nimā". *sssssss ssNmne-ye Farhang va Adab*. No. 5. pp. 149 - 166. [in Persian]
- Mirzā Bābāzāde Fumeshi, B. (2013). "Ebhām Zodaie az Naqd-e Now Pay-ye Tārikhgarāi-ye Now dar Irān bā Negāhi be Pazhuhesh-hāye Anjām Shode". *Naqd-e Adabi*. No. 22. pp. 7 - 28. [in Persian]
- \_\_\_\_\_ va Khojaste Pour, A. (2013). "Naqdi bar majmu'e Maqālāt-e Dovomin Hamāyesh-e Nimā Shenāsi-ye Dāneshgāh-e Mazandarān". *Naqd-e Adabi*. No. 23. pp. 191 - 198. [in Persian]
- Mohammadi Kale sar, A. (2013). "Gozinesh-e Matn va Ravesh Shenāsi-ye Motāle'āt-e Adabi". *Naqd-e Adabi*. No. 23. pp. 37 - 58. [in Persian]
- Moi'ni, F. (2008). *Barrasi-ee eeeeeiii -ee Keeeeee -ee D ll e-ye Sa'di Pazhuhi (1996 to 2006)*. Pāyānname-ye Kārshenāsi Arshad Zabān va Adabiyāt-e Fārsi, Dāneshgah-e Shirāz. [in Persian]
- Morāvene, N. (2012). *Ktt eeeeeeee-ee iiii fi eeeeeiii -ee Mlll tt -e Kiiii i ssssss s*. Pāyānname-ye Kārshenāsi Arshad, Dāneshgah-e Shahid Chamrān-e Ahvāz. [in Persian]

- Morovati, M va Hessāmpour. (2015). "Tahlil-e Estenādi-ye Maqālāt-e Faslnāme-ye Elmi Pazhuheshi *Naqd-e Adabi* (1-28)". *Naqd-e Adabi*. No. 32. pp. 155 - 170. [in Persian]
- Nikubakht, N va Serāj, S. A. (2014). *Kiiiiii iiiiii i Meeefi dddd-e Pazhuhesh-eeee rrrft rrrrr r-ee Kiiiiii i mnzzz* Pazhuhesh va Negaresh-e Kotob-e Dāneshgāhi. No. 35. pp. 74 - 93. [in Persian]
- Nowruzi, Z. (2006). *Barrasi-ye Tahlili Tosifi-ee Mllll tt- iiiii iMttttt t Nzzmmi I ( )* Resāle-ye Doktori-ye Zabān va Adabiāt-e Farsi, Dāneshgah-e Shirāz. [in Persian]
- Qāsemiyan, Kh. (2010). "Barrasi-ye Kārnāme-ye Masnavipazhuhi dar Irān". *sssssss ssss e-ye Adab- Hmiii*. No. 9. pp. 472 - 490. [in Persian]
- Razavi, 'A va Mosanen Farsi, H. (2010). "Vaz'iyat-e Estenād dar ssssssss ssss va *Kt bb- Mhh- K Njj nnnn*". *Mtt ll " tt - tttttt -e Kudak*. No. 2. pp. 71 - 100. [in Persian]
- Razi, A. (2007). "Ravesh dar Tahqiqāt-e Adabi-ye Irān". *Gowhar- G* No. 1. pp. 129 - 141. [in Persian]
- Rezvāniyān, Q va Kiyāni Bārforushi, H. (2017). "Arzyābi-ye Enteqādi-ye Maqālāt-e Adabi-ye Dāneshgāhi az Didgāh-e Hezhemoni Ideo'lozhik va Ravesh Shenāsi". *Naqd-e Adabi*. No. 37. pp. 59 - 88. [in Persian]
- Seyed Yazdi, Z. (2008). *Mllll ssssss s-ee iii fi eeeiii -ye Ferdowsi mmmmmmm ssss -e Fehrest- Mllll tt-e Iraj- sss t nnnnn-e Dafter-e Panjom*. Resāle-ye Doktori-ye Zabān va Adabiāt-e Farsi, Dāneshgah-e Mashhad. [in Persian]
- Shekardast, F. et al. (2014). "Ruykardi dar Tahlil va Naqd-e Romān-hāye Enqelāb-e Eslāmi ba Ta'kid bar naqd-e Romān-hāye Rezā Amirkhāni". *Pazhuhesh- tttttt -e Farsi*. No. 33. pp. 183 - 212. [in Persian]